

# فهرست



٥	● <b>الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: أَهْلًا وَ سَهْلًا</b>
٣٤	● <b>الدَّرْسُ الثَّانِي: الْعَبُورُ الْآمِنُ</b>
٦١	● <b>الدَّرْسُ الْثَالِثُ: جِسْرُ الصَّدَاقَةِ</b>
٨٥	● <b>الدَّرْسُ الرَّابِعُ: الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ</b>
١١٥	● <b>الدَّرْسُ الْخَامِسُ: الْرَّجَاءُ</b>
١٣٥	● <b>الدَّرْسُ السَّادِسُ: تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ</b>
١٥٩	● <b>الدَّرْسُ السَّابِعُ: ثَمَرَةُ الْحِدْدِ</b>
١٨٦	● <b>الدَّرْسُ الثَّامِنُ: حِوازْ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَارَةِ الْأَجْرَةِ</b>
٢١٢	● <b>الدَّرْسُ التَّاسِعُ: نُصُوصُ حَوْلَ الصَّحَّةِ</b>
٢٣٨	● <b>الدَّرْسُ الْعَاشِرُ: رِسَالَةُ الشَّهِيدِ سُلَيْمانِي</b>



# أَهْلًا وَسَهْلًا

## الدُّرْسُ الْأَوَّلُ

### متن درس و ترجمة واژه‌به واژه و روان

يَبْرُرِحُ:	إِلَى الْمَدْرَسَةِ	الْطَّلَابُ وَ	يَدْهَبُ	الْجَدِيدُ.	يَبْتَدِئُ
با خوشحالی	مدرسہ	دانشآموزان [پسر] و	دانشآموزان [امیروندا]	جدید	شروع می شود

سال تحصیلی جدید شروع می شود. دانشآموزان پسر و دختر با خوشحالی به مدرسہ می روند؛

هُنْ يَخْمِلُونَ	حَقَائِيقَهُمْ;	وَ يَمْشُونَ عَلَى الرَّصِيفِ	وَ يَعْبُرُونَ	مَمَّا	يَخْمِلُونَ
آن‌ها حمل می کنند	کیف‌هایشان	برای عبور ایمن	برای عبور ایمن	گذرگاه	(می برند)

آن‌ها کیف‌هایشان را [با خود] حمل می کنند و در پیاده‌رو راه می روند و برای عبور و مرور ایمن از گذرگاه پیاده رد می شوند (عبور می کنند): خیابان‌ها پراز پسран و دختران است.

يَبْتَدِئُ	فَضْلٌ	الْدَّرْسَةِ	فَضْلٌ	يَبْتَدِئُ
شروع می شود	فصل (زمان)	تحصیل	فصل (زمان)	دانشآموزان

فصل تحصیل، خواندن و نوشتمن و فصل دوستی میان دانشآموزان آغاز می شود.

الرَّحِيمُ	الرَّحْمَنُ	اللهُ	يُسْمِ
مهربان	بسیار بخشندۀ	خداؤند	به نام

با نام خداوند بسیار بخشندۀ مهربان [تحصیل] را شروع می کنم.

أَبْدَأُ	بِاسْمِ	اللهُ	أَبْدَأُ
شروع می کنم	به نام	خداؤند	شروع می کنم

هنگام برخاستنم پروردگارم را یاد می کنم.

أَبْدَأُ	بِاسْمِ	اللهُ	أَبْدَأُ
درس‌هایم را با نام خدا شروع می کنم.	به نام	خدا	درس‌هایم را با نام خدا شروع می کنم.

هنگام نشستنم پروردگارم را یاد می کنم.

صِعَابِي	حَلٌّ	رَتْبِي	أَسْأَلُ	كِتَابِي	اللهُ	بِاسْمِ	أَقْرَأُ
سُخْتَى هَايِم	حَل	[از] پُرُورِدَگَارِم	در خواست می کنم	كتابيم [را]	خدا	به نام	مِي خوانم
حل (برطرف ساختن) سختی هایم را از پُرُورِدَگَارِم در خواست می کنم.							كتابيم را با نام خدا می خوانم.

صلَّة	فِيهِ	دُعَاءُ،	فِيهِ	حَيَاةٌ	نُوْرٌ	مَكْتَبَتِنَا
نِمَازٌ [است]	در آن	دُعا [است]	در آن	زَنْدَگَى [است]	وَ	آيین ما
در آن دعا است، در آن نماز است.						آیین (دين) ما [سراسِر] روشنایی و زندگی است.

جَمَالٌ	فِيهِ	كُنْوَرٌ	فِيهِ	كَمَالٌ	فِيهِ	عُلُومٌ،	فِيهِ
زِيَابِيَّ [است]	در آن	كِنْجَهَا [است]	در آن	كَمَالٌ [است]	در آن	دانشَهَا [است]	در آن
در آن گنجها است، در آن زیبایی است.							در آن دانشها است، در آن رشد و کمال است.

الْحَكْمَاءُ	فِيهِ	يَدَرْسُ	وَ	الْغَلَمَاءُ	مِنْهُ	يَتَخَرَّجُ
دَانَايَان	در آن	درس می دهد	و	انْدِيَشْمَنْدَان	از آن	دانش آموخته می شود
و دانایان در آن درس [ادانای] و زندگی [می دهند].						اندیشمندان از آن (آیین) دانش آموخته می شوند.

كَدَوَائِي	كَنْزٌ،	مَرْحَمَةٌ،	سَمَائِي	أَنْوَارٌ	كَتَبَهَايِم	هَا
مانند دارویم [هستند]	كنج	مهربانی	آسمان [هستند]	روشنایی های	كتابهایم	هان
[آری] مهربانی و گنج [هستند] و مانند دارویم [هستند].						هان [آگاه باش که]، کتابهایم روشنایی های آسمان [زندگی ام] هستند.

سُورُوري	زاد	إِلْهِيٌّ،	فَاسِمٌ	أُمُورِي	اللهُ	بِاسْمِ	أَبْدَأُ
خوشحالی ام [را]	افزود	خَدَائِيم	بنابراین، نام	كارهایم [را]	خدا	به نام	شرع می کنم
چرا که ادر آغاز هر کاری [نام خدایم] خوشحالی ام را افزایش می دهد.						کارهایم را با نام خداوند آغاز می کنم.	

## واژگان جدید و بررسی آنها

**ابتدأ:** شروع شد (ماضی) / يَبْتَدِئُ (مضارع)

**الْعَبُورُ الْأَمِنُ:** عبور و مرور ایمن (ترکیب وصفی) ← موصوف + صفت / اسم + اسم

**تلاميذ:** دانش آموزان (اسم، مذکر، مفرد آن، تلميذ)

**دراسة:** تحصیل، درس خواندن (اسم، مؤنث، مصدر)

**درّس:** درس داد (ماضی) / يَدَرْسُ (مضارع)

**ثُرِيدُونَ الذَّهَابَ:** می خواهید بروید

**آمن:** ایمن

**أَتَمْنَى:** آرزو می کنم (مضارع)

**تبيين:** پسaran (اسم، جمع، مذکر)

**تَخَرَّجَ:** دانش آموخته شد (ماضی) / يَتَخَرَّجُ (مضارع)

**خُذُ:** بگیر، بردار، ببر / أَخْذُ (ماضی) / يَأْخُذُ (مضارع)

**دراسي:** تحصیلی (اسم، مذکر)

**ذَهَاب:** رفتن (مصدر)

۱- واژگان جدید (فعل، اسم و حرف) به ترتیب الفبایی (از «الف» تا «ي») مرتب شده است.

۲- در ترکیب وصفی (موصوف و صفت) هر دو کلمه، اسم هستند و فعل و حرف نیستند؛ مانند: العبور (اسم) + الآمن (اسم).



<b>زاد</b> : زیاد کرد، زیاد شد (ماضی) / بَزِيْدُ (مضارع)	<b>رصیف</b> : پیاده رو (اسم، مذکور)
<b>ساعَدَكَ اللَّهُ</b> : خدا فوت / ساعَدَ (ماضی) / يَسْأَدُ (مضارع)	<b>زار</b> : زیارت کرد (ماضی) / يَزُورُ (مضارع)
<b>صعب</b> : سختی ها (اسم، مذکور، مفرد آن: صعب)	<b>سال</b> : درخواست کرد، پرسید (ماضی) / يَسْأَلُ (مضارع)
<b>عامٌ دراسيٌّ</b> : سال تحصیلی (ترکیب وصفی)	<b>عام</b> : سال (اسم، مذکور)
<b>مُسْتَشْفِي</b> : بیمارستان (اسم مکان)	<b>قیام</b> : برخاستن (اسم، مذکور، مصدر)
<b>مَمَرُّ الْمُشَاة</b> : گذرگاه پیاده (ترکیب اضافی ← مضارع + مضارع ایله)	<b>ماما</b> : مرگ (اسم، مؤنث)
<b>منْطَقَةُ تَعْلِيمِ الْمَرْوُر</b> : پارک آموزش ترافیک	<b>مشاه</b> : پیادگان / مفرد آن: ماشی
<b>نَبْقَى</b> : میمانیم / نقی (ماضی)	<b>موقیف</b> : ایستگاه (اسم مکان)
<b>يُحَذَّرُ</b> : هشدار می دهد / حذَّرُ (ماضی)	<b>ها</b> : هان (حرف تنبیه و آگاهی دادن)
	<b>یمشون</b> : راه می روند / مشی (ماضی)

## توضیح واژه ها به زبان عربی

**الْتَّخْرُج** ← إِتَّمَامُ أَيَّامِ الدِّرَاسَةِ فِي الْجَامِعَةِ وَ الْحُرُوجُ مِنْهَا. (به پایان رساندن دوران تحصیل در دانشگاه و بیرون آمدن از آن است.)

**الْتَّلَمِيْد** ← هُوَ الَّذِي يَدْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ يَدْرُسُ فِيهَا. (او کسی است که به مدرسه می رود و در آن [جا] درس می خواند.)

**الْحَقِيقَيْة** ← شَيْءٌ يَحْمِلُ التَّلَامِيْدُ مَعْهُمْ فِي الْمَدْرَسَةِ وَ فِيهَا كَتَبُهُمْ وَ دَفَاتِرُهُمْ وَ أَقْلَامُهُمْ. (چیزی است که دانش آموزان با خودشان به مدرسه می برند و در آن کتاب ها، دفترها و قلم هایشان است.)

**الرَّصِيف** ← جانِبٌ مِنَ الشَّارِعِ لِمُرُورِ النَّاسِ. (سمتی از خیابان برای عبور مردم)

**الصَّفَّ** ← مَكَانٌ يَدْرُسُ فِيهِ التَّلَامِيْدُ وَ الطَّلَابُ. (مکانی است که در آن دانش آموزان و دانشجویان درس می خوانند.)

**الصَّيْفُ** ← هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدُعْوَةٍ أَوْ بِعَيْنَ دُعْوَةٍ. (او کسی است که با دعوت یا بدون دعوت وارد خانه می شود.)

**الْعَالَمُ الدَّرَاسِيُّ** ← أَيَّامُ الدِّرَاسَةِ وَ التَّحْصِيلُ الْعِلْمِيُّ فِي الْمَدْرَسَةِ وَ الْجَامِعَةِ مِنْ شَهِيرٍ خَرَدَاد. (روزهای درس خواندن و تحصیل علمی در مدرسه و دانشگاه از ماه مهر تا ماه خرداد است.)

**الْغَابَةُ** ← أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ. (زمینی پهناور که در آن درختان فراوانی است.)

**الْغَرَابُ** ← طَائِرٌ أَسْوَدُ الْلَّؤْنِ. (پرندهای سیاه رنگ است.)

**الْفَاكِهَةُ** ← ثَمَرَةُ الْأَشْجَارِ عَلَى الْعُجُونِ. (میوه درختان بر روی شاخه هاست.)

**الْفَلَاحُ** ← هُوَ الَّذِي يَعْمَلُ الزَّرَاعَةَ. (کسی که کار کشاورزی انجام می دهد.)

**كَرْهَةُ الْقَدْمَ** ← رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا إِثْنَانِ وَ عِشْرُونَ لَاعِبًاً. (ورزشی است که در آن بیست و دو بازیکن بازی می کنند.)

**الْكُوْكَبُ** ← جِزْمٌ سَمَاوِيٌّ يَنْبِيُّ السَّمَاءَ بِنُورِهِ كَانَةٌ مِصْبَاحٌ. (جرم آسمانی است که با نورش آسمان را روشن می کند، گویی که چراغ است.)

**الْمَحَافَظَةُ** ← مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْمَدْنِ فِي بِلَادٍ. (مجموعه ای از شهرها در کشوری است.)

**الْمَتَرَّشُ** ← هُوَ الَّذِي يَتَرَّشُ فِي الْمَدْرَسَةِ وَ الْجَامِعَةِ. (او کسی است که در مدرسه و دانشگاه درس می دهد.)

**الْمَسَاءُ** ← وَقْتُ نِهَايَةِ النَّهَارِ وَ بِدَايَةِ اللَّيلِ. (زمان پایان روز و آغاز شب است.)

**الْمَطْلَمُ** ← مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفَطُورَ وَ الْغَذَاءَ وَ الْعَشَاءَ. (مکانی که مردم در آن صبحانه، ناهار و شام می خورند.)

**الْمَوْقَفُ** ← مَكَانٌ تَوَقَّفُ فِيهِ الْقِطَارُ أَوِ الْحَافَلَةَ. (مکان ایستادن قطار یا اتوبوس)

## واژگان متراوف

آتی (آورد)	جلب	حدیث (نو)	جديد
صدیق (دوست)	حبيب	قعود (نشستن)	جلوس
أفضل (بهتر، بهترین)	خير	محفظات (كيفها)	حقائب
اعان (کمک کرد)	ساعد	إضافات (افزود)	زاد
تلميذات (دانشآموزان دختر)	طالبات	مصابی، مشاکل (سختیها)	صعاب
تلمیذ (دانشآموزان پسر)	طلاب	سبیل (راه)	طريق
سنّر، حفاء (پنهان)	غیب	سنة (سال)	عام
ثمرات (میوه‌ها)	فواكه	سرور (شادی)	فرح
حدیث، قول (سخن)	کلام	ستّر، أخفى (پنهان کرد)	ستم
مقبرة (آرامگاه)	مزقد	لا ينتهي (ستم نمی کند)	لا ينتهي
ضباء (روشنایی)	نور	گواكب (ستارگان)	نجوم
یتناول (می خورد)	یأكل	ألا (هان)	ها
یغفو (می آمرزد)	یغفر	يحفظ (حفظ می کند)	يحرس

## واژگان متضاد

أنسي (فراموش می کنم)	اذكر (به یاد می آورم)	إنتهي (تمام شد)	إنتداً (شروع شد)
أقل (کم تر، کم ترین)	أكثر (بیشتر، بیشترین)	أجيب (پاسخ می دهم)	أسأل (می پرسم)
نهاية (پایان)	بداية (آغاز)	حار (گرم)	بارد (سرد)
شراء (خرید)	بيع (فروش)	قرب (نزدیک)	بعيد (دور)
قديم (کهن)	جديد (نو)	عالِم، عاقِل (دانان)	جاهل (نادان)
قيام (بر خاستن)	جلوس (نشستن)	الحسينات (بدهی ها)	الحسنات (نیکی ها)
ممات (مرگ)	حياة (زندگی)	باطل (باطل)	حق (حق)
غالیة (گران)	رخيصة (ارزان)	شر (بدتر، بدترین)	خير (بهتر، بهترین)
عداوة (دشمنی)	صداقة (دوستی)	نقص (کم شد)	زاد (زياد شد)
كبير (بزرگسالی)	صغر (کوکی)	كذب (دروغ گفت)	صدق (راست گفت)
جميل (زیبا)	قبيح (زشت)	حزن (ناراحتی)	فرح (شادی)
أغن، أظهر (آشکار کرد)	كتم (پوشاند)	كثير (زياد)	قليل (اندک)
نهار (روز)	ليل (شب)	عليك (به زیان تو)	لک (به سود تو)
راكبون، رُكاب (سواره ها)	مشاة (پیادگان)	مجھول (ناشناخته ها)	مجھولتان (ناشناخته ها)
مجھول (ناشناخته)	المعروف (شناخته شده)	حياة (زندگی)	ممأة (مرگ)
ظلمة (تاریکی)	نور (روشنایی)	حالية (خالی)	ممولة (پر)
يمين (راست)	يسار (چپ)	يقرحون، يُسرون (شد می شوند)	يحزنون (نازاحت می شوند)

## جمع‌های مکسر و مفرد آن‌ها

ترجمه	مفرد	كلمه (جمع)
اشتباه، گناه	خطيئة	خطايا
درس	درس	دُرُوس
گناه	ذَنْب	ذُنُوب
خیابان	شارع	شَارِع
سختی	صعب	صِعَاب
دانشآموز	طالب	طَلَاب
دانشمند	علیم، عالِم	عُلَمَاء
دانش	علم	غُلُوم
میوه	فاكهه	فَواكِه
گنج	كنز	كُنُوز
پیاده	ماشي	مُشَاة
ستاره	نجم	نُجُوم

ترجمه	مفرد	كلمه (جمع)
درخت	شجر	أشجار
مثل، ضرب المثل	مثال	أمثال
کار	أمر	أمور
نفس، خود	نفس	أنفُس
روشنایی	نور	أنوار
برگ	ورق	أوراق
دوست، بار، سرپرست	وليٰي	أولياء
دانشآموز	תלמיד	תלמיד
کوه	جبل	جبال
كيف	حقيبة	حقائب
دانشمند، دانا	حكيم	حكماء
نیاز	حاجة	حوائج

كلماتی که ممکن است با هم اشتباه شوند

السَّبَت: شنبه / الثَّبَت: ثبت‌کردن  
 جَنَّة: بهشت، باغ / جِنَّة: جن  
 ذَهَب: رفت / ذَهَب: طلا  
 سَبْع: هفت / أَسْبُوع: هفته  
 سَنَة: سال / سَنَّة: روش، سنت  
 ظَهَر: ظهر، نیم‌روز / ظَهَر: پشت  
 غَلَم: یاد داد / تَعَلَّم: یاد گرفت  
 غَايَة: جنگل / غَايَة: پایان، هدف  
 غَرِيب: غریب، بیگانه / قَرِيب: نزدیک  
 مَثَل: ضرب المثل / مِثْل: مانند  
 مَسَاء: غروب، شب / سَمَاء: آسمان  
 يَخْرُس: نگه می‌دارد / يَخْرُص: حرص می‌ورزد

أَسْرَة: خانواده / أَسْوَة: نمونه، الْكَوْ / أَسْوَد: سیاه  
 تَخَرَّج: دانش‌آموخته شد / تَخَرَّج: خارج می‌شوی / تَخَرَّج: خارج می‌کنی  
 ذَرَّس: درس خواند / ذَرَّس: درس داد  
 سَأَلَ: پرسید، درخواست کرد / سَأَلَ: روان شد، سیل آمد  
 سَمِيع: شنید / سَمِعَ: اجازه داد  
 صَيْف: تابستان / صَيْف: مهمان / سَيْف: شمشیر  
 عَامِل: کارگر / آمِل: امیدوار  
 عَيْن: چشم، چشمہ / أَيْنَ: کجا  
 غَدَاء: ناهار / غَدَاء: غذاخوردن  
 كَآنَ: گویا که، انگار / كَآنَ: بود  
 مَدَرَسَة: مدرسه / مَدَرَسَة: خانم معلم  
 نَهَار: روز / نَهَر: رودخانه / أَنْهَار: رودخانه‌ها  
 يَغْلَمُ: می‌داند / يَغْلَمُ: کار می‌کند

**توجه:** مطالبی که به عنوان درسنامه در این درس ذکر شده، یادآوری و خلاصه قواعد کتاب‌های هفتم و هشتم است که باید به عنوان دانسته‌های قبلی و سنگ زیرینا، خوب بخوب بدانید تا بتوانید در درس‌های بعدی نیز ساختمنان ذهن و اندیشه‌تان را به درستی بسازید!

## درس‌نامه: آشنایی با قواعد و ساختار کلمه

۱ یک متن از تعدادی عبارت تشکیل شده و یک عبارت از تعدادی کلمه ساخته شده است و کلمه، خود اقسامی دارد: اسم، فعل و حرف.

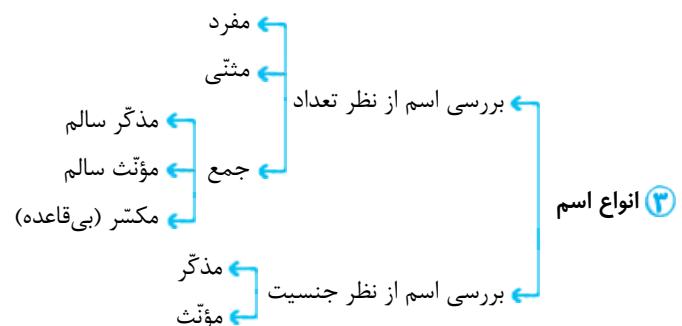
اسم: اسم، برای نامیدن اشیا و موجودات به کار می‌رود؛ مانند: لسان (زبان) - سماء (آسمان) - مُحافظة (استان) - لَوْحَة (تبلو) - هَنَ (آن زنان) - مُجَالَسَة (همنشینی) - هُؤْلَاء (این‌ها، اینان) - كِتابَة (نوشتمن) - مَنْ (چه کسی، هر کس، کسی که)

فعل: فعل، انجام‌دادن کاری و داشتن حالتی را در یکی از زمان‌ها نشان می‌دهد؛ مانند: كَتَبْتُم (نوشتید) - ما ذَهَبْنَ (ترفتند) - نَأْخُذُ (می‌گیریم) - لا يَدْرُسُونَ (درس نمی‌خوانند) - سَوْفَ أَنْصَرْ (یاری خواهم کرد)

حرف: حرف، نقش ارتباطی میان اسم و فعل یا اسم و اسم یا فعل و فعل را در جمله اجرا می‌کند؛ مانند: إِنْ (قطعاً) - أَنْ (که) - و (و) - يَا (ای) - إِلَّا (مگر، بهجز) - أَلَا (هان) - لَكُنْ (ولی) - هَلْ (آیا) - أُمْ (یا) - إِلَى (به)

انواع کلمه

**نکته:** اگر بخواهیم آمار بگیریم که چه تعداد کلمه در ذهن و زبان داریم، باید بگوییم به تعداد هر موجود، اسم وجود دارد؛ یعنی بی‌نهایت اسم داریم و فعل، کار همان اسم‌هاست و حروف، تعدادشان بسیار اندک است (حدود ۵۰ حرف داریم).



۴ اسم مفرد: اسمی است که بر یک موجود دلالت می‌کند و علامت خاصی ندارد؛ مانند: یَد، كِتاب، أَرْض، نَعْمَة، شَارِع، غَيَّبَة.

۵ اسم مثنی: اسمی است که بر دو موجود دلالت می‌کند و راه ساختن آن این‌گونه است که «ان» یا «ین» به آخر اسم مفرد افزوده شده است.  
(مفرد + ان / ین)، مانند: كِتابَان، يَدَيْن، مِنْصَدَتَان، مُؤْلَفَيْن، مَدْرَسَتَان.

۶ جمع مذکر سالم: اسمی است مذکر که بر بیش از دو موجود دلالت می‌کند و به آخر اسم مفرد مذکر، «ون» یا «ین» افزوده شود.  
(مفرد + ون / ین)، مانند: الْمُسْلِمُونَ، الْمُؤْمِنُونَ، الْمَظْلُومُونَ، الْمُعْلَمُونَ، الْمَحْبُوبُونَ، الْفَلَاحِينَ.

۷ جمع مؤنث سالم: اسمی است مؤنث که بر بیش از دو موجود مؤنث دلالت می‌کند و به آخر اسم مفرد مؤنث، «ات» افزوده می‌شود.  
(مفرد مؤنث + ات)، مانند: آیات، مُسْلِمَات، مُؤْمِنَات، خَلَات، حَسَنَات، بَيَّنَات.

۸ جمع مکسر: اسمی است که بر بیش از دو موجود دلالت می‌کند و برای ساختن آن قاعدة خاصی وجود ندارد و باید آن‌ها را حفظ کرد؛ مانند: مَلَعِبٌ  
(مَلَعِب)، كُتُبٌ (كتاب)، الْوَان (لوئن)، مَصَابِحٌ (مضباح)، سُورَةٌ (سوره)، أَشْجَارٌ (شَجَر)، دُنْوَبٌ (ذَنْب)، حَوَائِجٌ (حاجَة)، بِلَادٌ (بلَد)، أَوْلَيَاءٌ (ولَيَاء).

۹ اسم مذکر: بر انسان یا حیوان نر یا اشیائی که در انتهای اسم آن‌ها «ة» وجود ندارد، دلالت می‌کند و علامت خاصی در آخر آن ندارد؛ مانند: میشم، بهزاد، عالم، مَظْلُوم، ذَنْب، كَلْب، كِتاب، قَلْمَ.

۱۰ اسم مؤنث: بر انسان یا حیوان ماده یا اشیائی دلالت می‌کند که معمولاً آخرشان حرف «ة» دارند. (مؤنث: اسم + ة؛ مَرْيَام، أَمْ، بَقَرَة، حَمَامَة، هَذِيَة، تِلْكَ، أَشَرَّة، هَدِيَة، أَسَلَامَة).



**۱۱** اسم اشاره: برای اشاره به یک یا چند موجود دلالت می‌کند که نزدیک یا دور هستند. اسم‌های اشاره عبارت‌اند از: **هذا** (این)، **هذیه** (این)، **ذلك** (آن)، **هؤلاء** (این‌ها)، **أولئك** (آن‌ها)، **هنا** (این‌جا)، **هناك** (آن‌جا)

برای اسم مفرد مذکور **هذا، ذلك**

برای مکان **هنا، هناك**

برای اسم جمع مذکور و مؤنث **هؤلاء، أولئك**

**۱۲** به اسم‌هایی مانند: **من، تو، او، ما، شما، ایشان** (آن‌ها) ... در زبان فارسی اصطلاحاً **ضمیر** جدا گفته می‌شود و به اسم‌هایی مانند: **...م، ...ت، ...ش، ...مان، ...تان، ...شان**، ضمیر پیوسته گفته می‌شود.

**نکته:** در زبان عربی به دلیل مفرد، مشتی و جمع و نیز مذکور و مؤنث بودن اسم‌ها، ضمیر (اسمی است که به جای اسم ظاهر می‌آید)

در ۱۴ شکل و ساختار صرف می‌شود، همان‌گونه که فعل نیز در ۱۴ شکل و ساختار صرف می‌شود.

او (هو - هي)

آن‌ها (همّا - هُم - هُنّ)

...ش (ه - ها)

...شان (هم - هُم - هُنّ)

تو (أنت - أنت)

شما (أنتما - أنتم - أنتن)

...ت (ك - كـ)

...ـشان (كُـما - كـمـ - كـنـ)

من (أنا)

ما (نحن)

...م (ي)

...ـمان (نا)

ضمیرهای جدا

(منفصل)

ضمیرهای پیوسته

(متصل)

**۱۳** حال اگر بخواهیم ضمیرهای فارسی را به عربی بگوییم، این گونه است:

**نکته:** در زبان فارسی و انگلیسی صرف ۶ ضمیر و فعل به این ترتیب می‌آید: متکلم،

مخاطب و غایب (رفتم، رفتی، رفت / رفته‌یم، رفته‌ید، رفته‌ند)

went, you went, he (she, it) went, we went, you went, they went

ولی در زبان عربی صرف ۱۴ ضمیر و فعل به این ترتیب می‌آید: غایب، مخاطب و متکلم.

بر این اساس صرف صیغه‌ها را هم می‌توان با توجه به زبان فارسی آورد و هم با توجه

به زبان عربی.

فعل ماضی مثبت

فعل ماضی منفی

فعل مضارع مثبت

فعل مضارع منفی

فعل مستقبل

**۱۴** فعل و اقسام آن

صرف ۱۴ صیغهٔ فعل عربی با توجه به زبان فارسی از فعل نوشتن (کتابت) در زمان ماضی این گونه است:

نوشت (كتبت)، نوشته (كتبة - كتبته)، نوشتم (كتبنا)، نوشته‌یم (كتبنا - كتبتهما) - نوشته‌ن - كتبتنا - كتبنا - كتبوا - كتبن

كتبوا

كتبـن

كتـبـنـم

كتـبـنـنـ

كتـبـ

كتـبـتـ

كتـبـتـمـ

كتـبـتـنـ

مذـكـرـ

غـايـبـ

مـؤـنـثـ

غـايـبـ

**۱۵** فعل ماضی مثبت: کاری را که در زمان گذشته اتفاق افتاده است، بیان می‌کند و در ۱۴ شکل و ساختار در زبان عربی این گونه صرف می‌شود؛ مانند:

ما كـتبـوا

ما كـتبــنـ

ما كـتبــنـمـ

ما كـتبــنـنـ

ما كـتبـ

ما كـتبــتـ

ما كـتبــتـمـ

ما كـتبــتـنـ

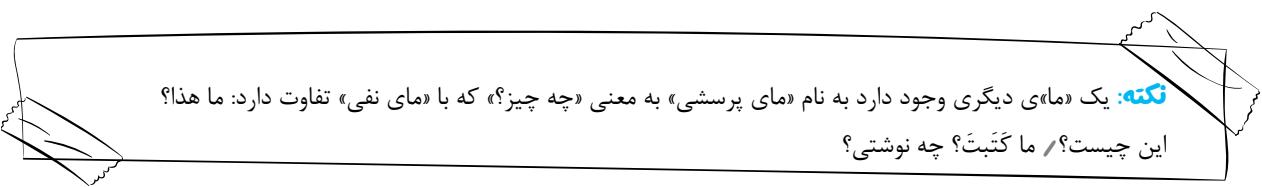
مـذـكـرـ

غـايـبـ

مـؤـنـثـ

غـايـبـ

**۱۶** فعل ماضی منفی: کاری را در زمان گذشته نفی می‌کند و گزارش می‌دهد که اتفاق نیفتاده است. برای ساختن آن در زبان عربی حرف «ما» نفی را پیش از فعل ماضی می‌آوریم: (ما + ماضی)



**نکته:** یک «ما»ی دیگری وجود دارد به نام «مای پرسشی» به معنی «چه چیز؟» که با «مای نفی» تفاوت دارد: ما هذا؟  
این چیست؟ / ما کتبت؟ چه نوشته؟

يَكُتُبُونَ	يَكُتُبَانِ	يَكُتُبَ (مَنْ نَوَيْسَدَ)	مذکر غائب: مُؤْتَثٌ غَايْبٌ	فعل مضارع مثبت: کاری را که در زمان حال و آینده اتفاق می‌افتد بیان می‌کند و برای ساختن آن حروف مضارعه (ت، ي، ن، أ) را پیش از ماضی می‌آوریم. (ت، ي، ن، أ + ماضی)
يَكُتُبَنَّ	تَكْتُبَانِ	تَكْتُبَ	مذکر مخاطب: مُؤْتَثٌ مَخَاطِبٌ	
تَكْتُبَنَّ	تَكْتُبَانِ	تَكْتُبَ	مذکر مخاطب: مُؤْتَثٌ مَخَاطِبٌ	
تَكْتُبَنَّ	تَكْتُبَانِ	تَكْتُبَيْنَ	مذکر مخاطب: مُؤْتَثٌ مَخَاطِبٌ	
	نَكْتُبَ	أَكْتُبَ	مذکر یا مؤتث متکلم: مُذَكَّرٌ يَا مُؤْتَثٌ مَتَكَلِّمٌ	

لا يَكُتُبُونَ	لا يَكُتُبَانِ	لا يَكُتُبَ (نمی‌نویسد)	مذکر غائب: مُؤْتَثٌ غَايْبٌ	فعل مضارع منفی: انجام کاری را در زمان حال و آینده نفی می‌کند و گزارش می‌دهد که اتفاق نمی‌افتد و برای ساختن آن در زبان عربی حرف «لا»ی نفی را پیش از فعل مضارع می‌آوریم. (لا + مضارع)
لا يَكُتُبَنَّ	لا تَكْتُبَانِ	لا تَكْتُبَ	مذکر غائب: مُؤْتَثٌ غَايْبٌ	
لا تَكْتُبَنَّ	لا تَكْتُبَانِ	لا تَكْتُبَ	مذکر مخاطب: مُذَكَّرٌ مَخَاطِبٌ	
لا تَكْتُبَنَّ	لا تَكْتُبَانِ	لا تَكْتُبَيْنَ	مذکر مخاطب: مُؤْتَثٌ مَخَاطِبٌ	
	لا نَكْتُبَ	لا أَكْتُبَ	مذکر یا مؤتث متکلم: مُذَكَّرٌ يَا مُؤْتَثٌ مَتَكَلِّمٌ	

سَيَكْتُبُونَ	سَيَكْتُبَانِ	سَيَكْتُبَ (خواهد نوشت)	مذکر غائب: مُؤْتَثٌ غَايْبٌ	فعل مستقبل: نشان‌دهنده کاری است که در زمان آینده دور یا نزدیک اتفاق خواهد افتاد.
سَيَكْتُبَنَّ	سَتَكْتُبَانِ	سَتَكْتُبَ	مذکر غائب: مُؤْتَثٌ غَايْبٌ	
سَتَكْتُبَنَّ	سَتَكْتُبَانِ	سَتَكْتُبَ	مذکر مخاطب: مُذَكَّرٌ مَخَاطِبٌ	
سَتَكْتُبَنَّ	سَتَكْتُبَانِ	سَتَكْتُبَيْنَ	مذکر مخاطب: مُؤْتَثٌ مَخَاطِبٌ	
	سَتَكْتُبَ	سَأَكْتُبَ	مذکر یا مؤتث متکلم: مُذَكَّرٌ يَا مُؤْتَثٌ مَتَكَلِّمٌ	«سُوفَ» (برای آینده دور) را پیش از فعل مضارع می‌آوریم. (سَ / سُوفَ + مضارع)

**۲۵** اگر فاعل (اسم بعد از فعل) مذکر باشد، فعل مذکر می‌آید و اگر مؤتث باشد، فعل مؤتث می‌آید:

ذَهَبَ التَّلَمِيْدُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. / ذَهَبَتِ التَّلَمِيْدَةُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. / يَكْتُبَ عَلَيِّ دَرْسَةً. / تَكْتُبَ فاطِمَةً دَرْسَهَا.

فعل مذكر فاعل مذكر      فعل مؤتث فاعل مؤتث      فعل مذكر فاعل مذكر      فعل مؤتث فاعل مؤتث

**توجه:** اگر فاعل مثنی یا جمع باشد، فعل همواره مفرد به کار می‌رود:

ذَهَبَ التَّلَمِيْدَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. / ذَهَبَتِ التَّلَمِيْدَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. / ذَهَبَتِ التَّلَمِيْدَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

فعل مفرد فاعل مثنی      فعل مفرد فاعل بجمع      فعل مفرد فاعل بجمع

**۱۶** کلمات پرسشی که برای سؤال از مکان، زمان، چگونگی، چرايی و ... در زبان عربی به کار می‌رود، عبارت‌اند از:

أ (آیا)، هل (آیا)، کیف (چگونه)، کم (چند)، آی (کدام)، آین (کجا)، متی (کی)، مَنْ (چه کسی)، ما (چه چیزی)، إِلَيْ أَيْنَ (به کجا)، إِلَى مَتَى (تا کی)، لِمَذَا (چرا)

**توجه: (الف)** اگر سؤال کننده واژه‌های «أ» یا «هل» به کار ببرد، در پاسخ از «نعم»: بله» یا «لا: نه» استفاده می‌کنیم.

**ب)** اگر سؤال کننده واژه «أَيْنَ» به کار ببرد، در پاسخ از واژه‌های «فوق، تحت، أمام، خلف، وراء، جنوب، عنده، حول، بین، فی، عَلَى، هُنَاك، عَلَى اليمین، عَلَى اليسار ...» استفاده می‌کنیم.

**ج)** اگر سؤال کننده واژه «متی» به کار ببرد، در پاسخ از واژه‌های «غداً، أمس، في الصّباح، مساءً، اليوم، عصر، ليل، قبل سَنَّتَيْنِ، قبل أُسْبُوعَيْنِ، في الشّهْرِ المَاضِي، في الشّهْرِ القَادِمِ و ...» استفاده می‌کنیم.



روزهای هفته:

**السبت** (شنبه)، **الأحد** (يکشنبه)، **الاثنين** (دوشنبه)، **الثلاثاء** (سه شنبه)، **الأربعاء** (چهارشنبه)، **الخميس** (پنج شنبه)، **الجمعة** (جمعه)

**١٣** فصل‌های سال: الربيع (بهار)، الصيف (تابستان)، الخريف (پاییز)، الشتاء (زمستان)

رنگ‌ها: آَرْزَق (آبی)، أَحْمَر (سبز)، أَحْمَر (قرمز)، أَسْوَد (سیاه)، أَبْيَض (سفید)، أَصْفَر (زرد)

**۲۴** شغل‌ها: خَدَاد (آهنگر)، خَبَاز (نانوا)، خَلَوَانِي (شیرینی فروش)، رِياضِي (ورزشکار)، سُرْطَي (پلیس)، طَبَاخ (آشپز)، مُمَرَّض (پرستار)، مُؤَظَّف (کارمند)، فلاح (کشاورز)، طَبَيب (پزشک)، تَجَار (نچار، درودگر)، كَاتِب (نویسنده)، خَيَاط (خیاط)، مُدَرَّس (معلم)

نکاتی در مورد فن ترجمه

۱ اگر در جمله فعل مفرد، ولی فاعل مشتبه یا جمع باشد، فعل در فارسی جمع ترجمه می‌شود:

<b>يَدْهُبُ الطَّالِبُانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ:</b> دانش آموزان به مدرسه می‌روند.	<b>يَدْهُبُ</b> فعل مفرد فاعل مثنیٰ معجم معجم معجم معجم معجم معجم	<b>الْطَّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ:</b> دانش آموزان به مدرسه می‌روند.	<b>الْطَّلَابُ</b> فعل مفرد فاعل مثنیٰ معجم معجم معجم معجم معجم معجم
--	---	---	--

۲) اگر در جمله، هیچ فعلی وجود نداشته باشد، در ترجمه فارسی از فعل کمکی (است، هست، هستم ...) استفاده می‌شود.

**الشوارع مملوكة بالبنين والبنات:** خیابان‌ها پر از پسروان و دختران است.  
فعل کلمکی هیچ فحیل ندارد.

۳) برخی فعل‌ها در ترجمه به فارسی به حرف اضافه نیاز دارند:

أَسْأَلُكُمْ أَنْتُمْ حَلَّ صَعَابِهِ مِنْ أَنْ يَوْمِ دَيْنِكُمْ حَلٌّ مشَكِلَاتِهِ إِذَا دِنْهُوا سَهْلٌ كُنُّهُمْ

۴) برخی فعل‌ها که ماضی هستند و پس از واژه «من» به کار می‌روند، بهتر است هرف اضافه فعل

برخی فعل‌ها که ماضی هستند و پس از واژه «من» به کار می‌روند، بهتر است در فارسی مضارع ترجمه شوند:

خیز الناس من نفع الناس: بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند.  
ماضی مشارع

مَنْ كَتَمَ عِلْمًا فَكَانَهُ جَاهِلٌ: هر کس دانشی را پنهان کند؛ پس گویی ندادن است.  
ماضی مفهای

واژه‌های «**لَهُ، لَكَ، لَهُمْ و ...**» را می‌توان دو گونه ترجمه کرد:

**الف)** برای اوست، برای توست، برای آن هاست

**ب)** دارد، داری، دارند

ولی بهتر است برای ترجمه از واژه‌های مطرح شده در ردیف (ب) استفاده شود: لک قلم: قلم داری.

و اگر فعل «لَيْس» پیش از آن‌ها بباید، از «ندارد، نداری، ندارند» استفاده می‌شود: **الغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ**: غریب کسی است که دوستی ندارد.

**❸** برای فهم درست یک زبان باید با واژه‌های پرسشی آن زبان آشنا شد:  
 هل (آیا) - مَنْ (چه کسی) - ما (چه چیزی) - بِمَنْ (با چه) - مَاذَا (چه) - لِمَنْ (برای که) - أَيْنَ (کجا) - مِنْ أَيْنَ (از کجا) - أَيْ (کدام) - فِي أَيْ (در کدام) - كَمْ (چند) - كَيْفَ (چگونه) - مَشَى (کی)  
**❹** اگر بعد از واژه «خَيْر» و «شَرّ» کلمه «مِنْ» بیاید، به معنای «بهتر» و «بدتر» است:  
 أَذْكُرْ الْمُزَءُ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبٍ: ادب آدمی از طلایش بهتر است.  
**❺** واژه‌های «لَكَ» و «عَلَيْكَ» معانی مختلفی دارد:  
 لَكَ: داری، به سود تو  
 عَلَيْكَ: تو باید، بر تو لازم است، به زیان تو  
 لَكَ صَدِيقٌ مُخْلِصٌ: تو دوست بالخلاصی داری.  
 عَلَيْكَ بِالدَّرَاسَةِ: تو باید تحصیل کنی.  
 الَّدَّهُرُ يَوْمَنِ، يَوْمُ لَكَ وَ يَوْمُ عَلِيكَ: روزگار دو روز است؛ روزی به سود تو و روزی به زیان توست.

### الأَرْبَعِينَياتُ (گفت‌و‌گوی اربعینی)

#### الْشُّرْطَيُّ وَ الزَّائِرُ پلیس و زائر

- شُكْرًا. سَاعَدَكَ الله!	- أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ!
- تشكراً. خدا قوت!	- [بهبه!] خوش آمدید!
- نَبَقَى أَسْبُوعَيْنِ.	- كَمْ يَوْمًا تَبَقَّوْنَ فِي الْعِرَاقِ؟
- دو هفته می‌مانیم.	- چند روز در عراق می‌مانید؟
- إِلَى النَّجَفِ وَ كَربَلَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ وَ سَامَراءَ.	- إِلَى أَيِّ مَدْنِ تَرِيدُونَ الدَّهَابَ؟
- به نجف، کربلا، کاظمین و سامرا.	- به کدام شهرها می‌خواهید بروید؟
- نَبَقَى يَوْمَيْنِ.	- كَمْ يَوْمًا تَبَقَّوْنَ فِي النَّجَفِ؟
- دو روز می‌مانیم.	- چند روز در نجف می‌مانید؟
- فِي الْكَاظِمِيَّةِ وَ سَامَراءَ يَوْمَيْنِ، وَ الْأَبْاقِي فِي كَربَلَاءِ.	- وَ كَمْ يَوْمًا فِي باقي الْمُدْنِ؟
- در کاظمین و سامرا دو روز و بقیه در کربلا.	- و چند روز در بقیه شهرها؟
- حَفِظْكَ الله!	- أَتَمَّتَ لَكُمْ زِيَارَةً مَقْبُولَةً؟
- خدا شما را نگه دارد!	- زیارت مقبولی را [در پیشگاه خدا] برايتان آرزو می‌کنم!
- شُكْرًا جَزِيلًا. فِي أَمَانِ اللهِ وَ حِفْظِهِ!	- خُذْ جُوازَكَ، فِي أَمَانِ اللهِ!
- سپاس فراوان، به امان خدا، خدانگهدار.	- گذرنامه‌ات را بگیر، در پناه خدا.

مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا فَكَانَمَا زَارَنَا فِي حَيَاةِنَا.      الْإِمَامُ الصَّادِقُ

امام صادق علیه السلام

هر کس در [بعد از] مرگ ما، ما را زیارت کند، مثل این است که در [زمان] حیاتمان، ما را زیارت کرده است.

## تمارين

### التمرين الأول

با توجه به تصویر پاسخ دهید.



٤- لِمَنْ هَذَا الْكِتَابُ؟



٣- أَيْنَ مُسْتَشْفِي بَغْدَاد؟



٢- هَلْ هَذَا زَمِيلُكَ؟



١- مَاذَا عَلَى السَّجَرَةِ؟



٧- هَلْ هُنَا مِنْطَقَةُ تَعْلِيمِ الْمُفْرُورِ؟



٨- مَئَى تَلْعَبُنَ كُرْةَ الْمِنْصَدَةِ؟



٦- كَمْ حَافِلَةً فِي الْمَوْقِفِ؟



جابر بن خثان

٥- فِي أَيِّ عِلْمٍ هَذَا الْعَالَمُ مَعْرُوفٌ؟



٩- يَسَافِرُ الْحَجَاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ؟



٩- يَا تَلَمِيذَاتُ، كَيْفَ حَالُكُنَّ؟

### التمرين الثاني

در جای خالی کلمه مناسب بنویسید.

١- وَاحِدٌ / إِثْنَانٌ / ..... / أَرْبَعَةً / ..... / سِتَّةً / ..... / ثَمَانِيَةً / ..... / عَشَرَةً / ..... / إِثْنَا عَشَرَ

٢- الْأَوَّلُ / ..... / الثَّالِثُ / ..... / الْخَامِسُ / ..... / السَّابِعُ / ..... / الْعَاشرُ / ..... / الثَّانِي عَشَرُ

٣- يَوْمُ السَّبْت / الأَحَد / ..... / الْثَّلَاثَاء / ..... / الْجُمُعَةُ / ..... / الْمُكَرَّمَةُ / .....

٤- الرَّبِيعُ / ..... / الْحَرِيفُ / .....

٥- الْفَطُورُ فِي الصَّبَاحِ / الْغَدَاءُ فِي الظَّهُورِ / ..... فِي اللَّيْلِ

### التمرين الثالث

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

٣- مَنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

٢- كَيْفَ حَالُكَ؟

١- مَنْ أَنْتَ؟

٥- مَئَى يَبْدأُ الْعَامُ الدَّرَاسِيُّ فِي إِيْرَان؟

٤- فِي أَيِّ صَفَّ أَنْتَ؟

## الْتَّمْرِينُ الْرَّابِعُ

برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب، سپس هر جمله را ترجمه کنید.

٢- (  هُم ) يَنْصُرُونَ

١- (  هُنَّ ) نَجَحْنَا

٤- (  هُنَّ ) وَصَلَّيْمُ

٣- (  أَنْتَ ) لَا تَكْذِبُ

٦- (  هِيَ ) قَرَبَتْ

٥- (  أَنْثَمَا ) يَقْدِرُنَّ

## الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ

کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات ناهمانگ است؟

حَقِيقَةٌ

طَبَاحَةٌ

طَبَيْبَةٌ

مُؤْظَفَةٌ

عَامِلٌ

مَدِينَةٌ

قَرِيَةٌ

مُحَافَظَةٌ

جَدَّةٌ

أَوْنَ

أَخْتَ

بِنْتٌ

عَيْنٌ

يَدٌ

قَوْلٌ

فَدَمٌ

سِنْجَابٌ

فَرَسٌ

جَنَّةٌ

بَقَرَةٌ

شَمْسٌ

كَوْتَبٌ

قَمَرٌ

أُسْرَةٌ

سَنَةٌ

شَهْرٌ

ذَهَبٌ

أُسْبَوْعٌ

سَحَابٌ

ثَنَرٌ

رَمَانٌ

ثَفَاحٌ

## الْتَّمْرِينُ السِّادِسُ

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفَطُورَ وَ الْقَدَاءَ وَ الْعَشَاءَ.

١- كُرْهُ الْقَدْمِ

يَخْدُرُ الْحَيَوانَاتِ مِنَ الْخَطَرِ.

٢- الْمُحَافَظَةُ

هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ.

٣- الْمَطْعُمُ

رِياضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدُ عَسَرَ لاعِبًا.

٤- الْمَسَاءُ

أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ.

٥- الْأَغَابَةُ

وَقْتُ نَهَارِ النَّهَارِ وَ بِدَايَةِ اللَّيلِ.

٦- الْأَغْرَابُ

طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ.

٧- الْأَفْسَيْفُ

## الْتَّمْرِينُ السِّابِعُ

در جای خالی، یکی از کلمه‌های زیر را بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

«عَلَيْكَ – ذَهَبِهِ – الْجَلُوسُ – الْحَجَرُ – الْجَاهِلُ – الْأَمَانُ – الصَّعَابُ»

٢- الْعِلْمُ فِي الصَّعَبِ، كَالنَّقْشُ فِي ..... . إِلَيْمَانُ عَلَيْهِ 

١- أَدَبُ الْمَرْءِ، حَيْرَ مِنْ ..... . رَسُولُ اللهِ 

٤- الدَّهْرُ يَوْمَنِ؛ يَوْمَ لَكَ وَ يَوْمَ ..... . إِلَيْمَانُ عَلَيْهِ 

٣- نِعْمَتَنِ مَجْهُولَتَنِ؛ الصَّحَّةُ وَ ..... . رَسُولُ اللهِ 

٥- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ، حَيْرَ مِنْ صَدَاقَةٍ ..... . إِلَيْمَانُ عَلَيْهِ 

## الْتَّمْرِينُ الْقَانِنُ

● متضاد کلمه‌های داخل جدول را در کلمات زیر پیدا کنید و بنویسید.

«كَثِيرٌ – لَيْلٌ – نِهَايَةٌ – قَرِيبٌ – جَمِيلٌ – صَدَاقَةٌ – يَمِينٌ – غَالِيَةٌ – شِرَاءٌ – فَرِحَ – كَذَبٌ – حَازٌ»

يسار ≠	بعيد ≠	زَخِيشَة ≠
بارد ≠	بِدايَة ≠	بَيْع ≠
صَدَق ≠	قَبِيج ≠	حَزَن ≠
نَهَار ≠	عَدَاوَة ≠	قَلِيل ≠

## الْتَّمْرِينُ الْقَاسِعُ

«أَوراقٌ – فَلَاحَانٌ – شَجَرَةٌ – رِياضِيُونَ – سَيِّدَاتٍ – مُدَرَّسَاتٍ»

● این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.



فرد مؤنث
مثنى مدَّكَر
مثنى مؤنث
جمع مدَّكَر سالم
جمع مؤنث سالم
جمع مكسر

## نَمْوَنَه سُؤَالَاتِ امْتَحَانِي

- عبارت‌های زیر را ترجمه کنید.
- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفَسُهُمْ يَظْلِمُونَ»
- ذلِكَ الْمَرْقَدُ لِحَابِرٍ بْنِ حَيَّانَ عَالِمِ الْكِيمِيَاءِ.
- أَبْدَأْ يَاسِمُ اللَّهِ أَمْوَرِي، فَاسِمُ إِلَهِي زَادَ سَرُورِي.
- ترجمة ناقص عبارت‌های زیر را کامل کنید.
- السَّارِعُ مَمْلُوءٌ بِالْبَنِينَ وَالْبَنَاتِ.
- يَبْتَدِئُ فَضْلُ الدِّرَاسَةِ وَالْقِرَاءَةِ وَالْكِتَابَةِ وَفَضْلُ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.
- كتابه را به نام خدا ..... حل سختی‌ها یم را از ..... درخواست می‌کنم.
- بیشتر ..... آدمیزاد در ..... است.
- هان، بی‌شک وعده خداوند ..... است، ولی ..... نمی‌دانند.
- أَقْرَأْ يَاسِمُ اللَّهِ كَتَابِي / أَسَأَلَ رَبِّي حَلَّ صِعَابِي.
- أَكْتُرَ حَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ.
- «أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»

٣- ترجمة درست را انتخاب کنید.

١- لِكُلْ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَ طَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ.

ب) راهی برای هر چیزی هست و راه بهشت تحصیل است.

الف) هر چیزی راهی دارد و راه بهشت علم است.

٢- هُلُكُمْ فِيهَا فَوَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٤﴾

ب) میوه‌های بسیار را در آن دیدم که از آن می‌خورید.

الف) برای شما در آن میوه‌های بسیاری هست و از آن می‌خورید.

٣- أَذْكُرْ رَبِّيْ عِنْدَ قِيَامِيْ.

ب) هنگام ایستادنم پروردگارم را یاد می‌کنم.

الف) پروردگارم را به هنگام نماز می‌خوانم.

٤- تَذَهَّبُ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدَرَسَةِ بِفَرَحٍ.

ب) دانشآموزان با شادی به مدرسه می‌روند.

الف) دانشآموزان با شادی به مدرسه رفتند.

٥- حَيَّرُ النَّاسُ مِنْ تَفَعُّلِ النَّاسِ.

ب) بهترین مردم کسانی هستند که مردم را خوشحال می‌کنند.

الف) بهترین مردم کسی است که به مردم سود می‌رساند.

٤- ترجمة کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده بنویسید.

١- إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّازُ الْحَطَبَ.

٣- الْغَرِيبُ مَنْ لَهُ يَقِينٌ لَهُ حَبِيبٌ.

٤- كَمْ كُرْسِيًّا خَوْلَ الْمِنْضَدَّةِ؟

٥- علامت متراծ (==) و متضاد (≠) قرار دهید.

٣- الْبَيْتُ  الْمُنْزِلُ

٢- هَا  أَلَا

٤- فَرَحُ  سُرُورُ

٥- كَثِيرَةٌ  قَلِيلَةٌ

٦- نِهَايَةٌ  بِدَايَةٍ

٨- شِرَاءُ  بَيْعٌ

١- لَيْلٌ  نَهَارٌ

٤- الْجَدِيدُ  الْقَدِيمُ

٧- أَسْوَدُ  أَبْيَاضُ

٩- رَخِيقَةٌ  غَالِيَةٌ

٦- كَدَامُ كَلْمَهِ از نظر معنایی با سایر گزینه‌ها ناهمانگ است؟

فَاكِهَةٌ

غُضِنْ

مُحَافَظَةٌ

١- شَجَرَةٌ

لَوْنٌ

قَدْمٌ

يَدٌ

٢- عَيْنٌ

أَنْمَارٌ

غَايَةٌ

أَشْجَارٌ

٣- غَابَةٌ

جَمَارٌ

فَرْسٌ

بَقَرَةٌ

٤- قَمَرٌ

رَمَانٌ

شَهْرٌ

أَسْبُوعٌ

٥- يَوْمٌ

٧- زیر هر تصویر، نام آن را به عربی بنویسید. (یک کلمه اضافی است.)

«غَرَابٌ - كُرَّةٌ - طَبِيعَةٌ - كَوْكَبٌ - طَائِرَةٌ»



.....٤.....



.....٣.....



.....٢.....



.....١.....

٨- كَدَامُ فعل از نظر زمان با بقیه ناهمانگ است؟

أَجْمَعُ

قَرْأَنِيْ

كَتَمَنَ

١- جَلَبَنَا

ظَلَمَنَ

قَطَطَنِيْ

نَأْكُلَ

٢- جَعَلْنَا

نَفَرَنَ

حَرَسَتَا

أَضَرَبَ

٣- يَغْلَمَنَ

أَنْفَعَ

يَحْتَوَنَ

سَجَدَت

٤- لَا يَحْرَنَوْنَ

زاد

يَتَّخِرُجُ

يَبْتَدِئُ

تَحْمِلُ

۹- فعلهای ماضی و مضارع را در عبارتهای زیر مشخص کنید.

۱- أَذْكُرْ رَبِّيْ عنْ جُلوسِيْ.

۲- الْقَرِبَتْ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبَ.

۳- «اللَّا إِنْ أُولَيَا اللَّهُ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزُنُونَ»

۴- فعل مناسب را برای ضمیر داده شده انتخاب کنید.

۵- من كَثَمْ عِلْمًا فَكَانَهُ جَاهِلٌ.

۶- «يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ ...»

سَوْفَ نَنْظُرُ

لَا يَجْلِسُ

مَا جَلَسْتُ

تَعْرِفِينَ

يَعْرُفُونَ

هُنَّ .....

دَهْبَتْنَ

صَدَقَتْ

أَنْتَنَ

تَقْذِيفُ

أَسْمَعْ

نَسْمَعَ

يَكْتُمُونَ

كَتَمْنَ

قَبِيلُّتُمَا

۷- فعلهای ماضی و مضارع داده شده را در جدول قرار دهید و هر یک را ترجمه کنید.

«نَلْبَسْ - قَرْبَثْ - يَعْيِشُونَ - فَتَخْمُ - أَصْدَقْ - سَافَرَا»

	مضارع		ماضي
	ترجمه		ترجمه

۸- برای جاهای خالی، فعل ماضی و مضارع را انتخاب کنید.

۹- أَيْنَ تَذَهَّبُونَ؟  إِلَى مَنْظَمَةِ الْحَجَّ وَ الرِّيَارَةِ.

۱۰- أَيْتَهَا الْبَنَاتِ، هَلْ  الطَّعَامُ؟

۱۱- هُنَّ  .

۱۲- أَيْهَا الرَّجُالُ، أَيْنَ ؟

۱۳- سَافَرْنَا  .

۱۴- گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱۵- مَنْ يَبْدِأُ الْعَامَ  فِي إِيرَانَ؟

۱۶- طَائِرٌ أَسْوَدُ الْلَّوْنِ.

۱۷- أَدَهْرٌ ؛ يَوْمَ لَكَ وَ يَوْمَ عَلَيْكَ.

۱۸- أَدَبٌ  خَيْرٌ مِنْ ذَهَبٍ.

۱۹- إِنَّ حَوَائِجَ  إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنْ اللَّهِ.

۲۰- بِإِرْجَاعِهِ  بِصَدَقَةٍ مِنْ دَهْرِهِ.



۲۱- ماذا یفعلن؟



۲۲- کم سيارة هناء؟



۲۳- أين جلسوا؟



۲۴- ما هذه؟

۱۵- هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. (یک واژه اضافی است.)

- |                |  |
|----------------|--|
| ۱- الْمَسَاءُ  | هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ. |
| ۲- الْمُلْقَبُ | جُرْءَةٌ وَاحِدٌ مِنْ حَمْسَةٍ.                                    |
| ۳- الْغَابَةُ  | وَقْتُ نِيَاهِيَةِ النَّهَارِ وَبِدَايَةِ اللَّيلِ.                |
| ۴- الْخَمْسَةُ | فَضْلٌ يَأْتِي بَعْدَ الصَّيْفِ.                                   |
| ۵- الْغَرِيفُ  | مَكَانٌ يُلْعَبُ فِيهَا الرِّبَاضِيَّوْنَ.                         |
| ۶- الْصَّيْفُ  |  |

۱۶- اسم‌های زیر را ترجمه کنید.

- |                |                   |
|----------------|-------------------|
| ۱- صِعَابٌ:    | ۱- مَرْحَمَةٌ:    |
| ۲- فَعْلٌ:     | ۲- مَرْحَمَةٌ:    |
| ۳- وَصْلَتْمٌ: | ۳- تَجْخِنَةٌ:    |
| ۴- مَنْصَدَةٌ: | ۴- جَلْوَسٌ:      |
| ۵- أَنْتَرَجَ: | ۵- تَقْدِيفَيْنَ: |

## سوالات چهارگزینه‌ای

### مهارت ترجمه

۱- ﴿يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالقَمَرُ وَالنَّجْوَمُ وَالجَبَلُ وَالشَّجَرُ﴾:

- (۱) کسانی که در آسمان‌ها و در زمین هستند او را سجده می‌کنند و خورشید و ماه و ستاره و کوه و درختان.
- (۲) آسمان‌ها و زمین همه به فرمان او هستند و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان سر بر آستان او نهاده‌اند.
- (۳) کسی که در آسمان‌هاست او را سجده می‌کند و کسی که در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درخت.
- (۴) کسی که در آسمان‌ها و زمین است گوش به فرمان اوست و خورشید و ماه و ستاره و کوه و درخت او را می‌ستایند.

۲- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكُنَّ النَّاسَ أَنفَسُهُمْ يَظْلَمُونَ﴾:

- (۱) قطعاً خداوند به مردم ستم نخواهد کرد، هر چند مردم خودشان به خود ستم کنند.
- (۲) بی‌شک خداوند ظلم مردم را نمی‌بخشد، ولی مردم این موضوع را درک نمی‌کنند.
- (۳) بی‌شک خداوند ظلم مردم را نخواهد بخشد، ولی مردم درک ماهیت ظلم را نمی‌دانند.
- (۴) قطعاً خداوند ذرّه‌ای به مردم ستم نمی‌کند، ولی مردم به خودشان ستم می‌کنند.

۳- ﴿أَلَا إِنَّ أُولَيَاءَ اللَّهِ لَا خُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾:

- (۱) هان، قطعاً اولیای الهی هرگز نمی‌ترسند و از چیزی اندوهگین نیستند.
- (۲) هان، قطعاً دوستان خدا نه ترسی برایشان هست و نه آن‌ها غمگین می‌شوند.
- (۳) آگاه باش که اولیای الهی ترس و ناراحتی در آن‌ها راه ندارد.
- (۴) آگاه باش که دوستان خدا هرگز نمی‌ترسند و حزن و غمی که آن‌ها را ناراحت کند، ندارند.

۴- ﴿إِنَّ الْحَسَدَ يَا كُلُّ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ﴾:

- (۱) قطعاً حسادت نیکی‌ها را از بین می‌برد، همان‌گونه که آتش محصول را از بین می‌برد.
- (۲) بی‌شک حسادت خوبی‌ها را خواهد خورد، مانند آتش که هیزم‌ها را از بین می‌برد.
- (۳) قطعاً حسادت خوبی‌ها را می‌خورد، همان‌گونه که آتش هیزم را می‌خورد.
- (۴) بی‌شک انسان‌های حسود نیکی‌ها را نادیده می‌گیرند، مانند آتش که محصول را نابود می‌کند.

۵- ﴿أَغْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ﴾:

- (۱) داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید.
- (۲) عالمترین مردم کسی است که علم خودش را از علم مردم کم‌تر بداند.
- (۳) عالمترین مردم کسی است که مردم را از علم خودش بهره‌مند کند.
- (۴) داناترین مردم کسی است که از دانش مردم بهره ببرد و به آن بیفزاید.

#### -۶- **الكلام كالدواء قليلة ينفع و كثيرة قاتل.**

- ۱) سخن مثل درمان است، اندک آن سریع شفا می‌دهد و بسیار آن می‌گشود.
- ۲) سخن گفتن داروی است که اندکش سودبخش است، ولی بسیارش آدمی را می‌گشود.
- ۳) سخن مثل داروست، اندک آن به جامعه سود می‌رساند، ولی زیادش زیان‌آور است.
- ۴) سخن مانند داروست، اندکش سود می‌رساند و بسیارش گشنه است.

#### -۷- **العلم خير من المال. العلم يحرسك وأن تحترم المال.**

- ۱) دانش تو از ثروت تو بهتر است. دانش از تو مراقبت می‌کند و تو از ثروت مراقبت می‌کنی.
- ۲) دانش از ثروت بهتر است. دانش از تو نگاهبانی می‌کند، در حالی که تو از ثروت نگاهبانی می‌کنی.
- ۳) علم تو از ثروت برتر است. علم تو را گرامی می‌دارد و تو ثروت را گرامی می‌داری.
- ۴) علم تو از دارایی تو بیشتر است. علم تو را حفظ می‌کند و تو دارایی خود را حفظ می‌کنی.

#### -۸- **ترجمة صحيح کدام است؟**

- ۱) «خیر الناس مَنْ تَفَعَّلَ النَّاسُ»: شریفترین مردم کسی است که آدمیان از او سود ببرند.
- ۲) «من كَمْ عِلْمًا، فَكَأَنَّهُ جَاهِلٌ»: کسی که دانش را پنهان کرد، مثل این که نادان است.
- ۳) «لَا خَيْرٌ فِي قُولٍ إِلَّا مَعَ الْفَعْلِ»: هیچ خیری در سخنی نیست، مگر آن که با عمل همراه باشد.
- ۴) «أَكْثَرُ خَطَايَا أَبْنَى آدَمَ فِي لِسَانِهِ»: بیشترین انسان‌های خطاکار از زبان خود نگران‌اند.

#### -۹- **ترجمة درست کدام است؟**

- ۱) «متى تَلَعِبَنَ كُرَّةَ الْمَنْضَدَةِ؟»: کی تنیس روی میز بازی کردید؟
- ۲) «متى يَبْدأُ الْعَالَمُ الْدَّرَاسِيُّ فِي إِيْرَانَ؟»: کی در ایران سال تحصیلی آغاز خواهد شد؟
- ۳) «بِمَ يَسَافِرُ الْحَجَاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ؟»: چرا حاجیان به مکه مکرمه سفر می‌کنند؟
- ۴) «كَيْفَ حَالُكُنْ يَا تَلَمِيذَاتِ؟»: ای دانش‌آموزان، حالتان چهطور است؟

#### -۱۰- **کدام ترجمه درست است؟**

- ۱) «العجلة من الشيطان»: انسان عجول پیرو شیطان است.
- ۲) «الوحدةة خير من جليس السوء»: اتحاد از تفرقه بهتر است.

#### -۱۱- **ترجمة نادرست عبارت‌ها کدام است؟**

- ۱) «الغريب مَنْ لَيْسَ لِهِ حَبِيبٌ»: غیر کسی است که دوستی ندارد.
- ۲) «إِنَّ حَوَاجَنَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ»: قطعاً نیاز مردم به شما نعمت‌های الهی است.
- ۳) «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»: تنها مؤمنان برادرند.
- ۴) «لَكُلِّ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَ طَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ»: هر چیزی راهی دارد و راه بپشت دانش است.

#### -۱۲- **ترجمة نادرست عبارت‌ها کدام است؟**

- ۱) «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ»: قطعاً خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.
- ۲) «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا»: به راستی که خداوند تمام گناهان را می‌آمرزد.
- ۳) «مَا ظَلَمَنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ»: ما به آن‌ها ستم نکردیم، ولی آن‌ها به خودشان ستم کردند.
- ۴) «عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِّنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ»: دشمن انسان عاقل از دوست انسان نادان بهتر است.

#### -۱۳- **ترجمة نادرست عبارت‌ها کدام است؟**

- ۱) «ماذا على الشجرة؟»: روی درخت چیست؟
- ۲) «في أي علم؛ هذا العالم معروف؟»: این دانشمند در کدام علم مشهور است؟
- ۳) «كم كرسياً حول المنضدة؟»: چرا صندلی‌ها اطراف میز هستند؟
- ۴) «لِمَنْ هَذَا الْمَرْقُدُ؟»: این آرامگاه برای کیست؟

#### -۱۴- **ترجمة نادرست عبارت‌ها کدام است؟**

- ۱) «أَبْدًا بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي»: سخن را به نام خدا آغاز می‌کنم.
- ۲) «فَائِسِمُ إِلَهِي زَادَ سُرُورِي»: پس نام معبدوم شادی‌ام را افزایش داد.
- ۳) «يَدْرِسُ فِيهِ الْحِكْمَةُ»: دانایان در آن درس می‌دهند.





-۲۴- نام تصویر روبه‌رو به زبان عربی، کدام است؟

- (۱) بنین  
(۴) بنت

- (۱) طلاق  
(۳) طالبات

-۲۵- کدام متضاد نادرست است؟

- (۴) حسن ≠ سوء

- (۳) غالیة ≠ قيمة

- (۲) واقف ≠ جالس

- (۱) جماعة ≠ وحدة

-۲۶- متضاد کلمات «غالیة - شراء - یمین - فرخ» به ترتیب کدام است؟

- (۲) رخیصه - بیع - شمال - حزین  
(۴) رخیصه - بیع - یسار - حزن

- (۱) باهض - بیع - یسار - حزین  
(۳) باهض - بائع - شمال - حزن

● صحیح ترین و دقیق ترین ترجمه و مفهوم واژه‌ها و عبارت‌ها را برگزینید.

-۲۷- ترجمه درست کلمات مشخص شده در آیه شریفه به ترتیب کدام است؟ «لکم فیها فواکه کثیرة و منها تأکلون»

- (۲) برای شما - میوه‌های - می خورید  
(۴) از شما - میوه - می خورید

- (۱) برای شما - میوه‌های - می خورید  
(۳) از شما - میوه‌های - می خورید

-۲۸- ترجمه فعل‌های «ما جلشن - لا یذہبون - سوق تعریفین» به ترتیب کدام است؟

- (۲) ننشستند - نمی‌روید - خواهی شناخت  
(۴) ننشستند - نمی‌روند - خواهد شناخت

- (۱) نمی‌نشینند - نمی‌روید - خواهی شناخت  
(۳) نمی‌نشینند - نمی‌رونند - خواهد شناخت

-۲۹- کدام ترجمه در مورد ترکیب اضافی و وصفی نادرست است؟

- (۲) حقائیهم: کیف‌هایشان  
(۴) حل صعابی: حل سختی‌هایم

- (۱) آنوار سمائی: نورهای آسمانی  
(۳) سوری: خوشحالی ام

-۳۰- ترجمه کلمات «تَخَرَّجَ - تَبَيَّنَ - زَادَ» به ترتیب کدام است؟

- (۲) فارغ‌التحصیل شد - پسران - افروز  
(۴) فارغ‌التحصیل شد - پسران - دو برابر کرد

- (۱) اخراج کرد - فرزندان - افزود  
(۳) اخراج کرد - فرزندان - دو برابر کرد

-۳۱- ترجمه کلمات «جلوس - رَصِيف - كِتابة» به ترتیب کدام است؟

- (۲) نشاندن - شارژ - مکاتبه کردن  
(۴) نشاندن - پیاده‌رو - مکاتبه کردن

- (۱) نشستن - شارژ - نوشتن  
(۳) نشستن - پیاده‌رو - نوشتن

-۳۲- ترجمه کلمات «خطب - نار - آکل» به ترتیب کدام است؟

- (۲) محصول - آتش - خورد  
(۴) هیزم - آتش - خورد

- (۱) هیزم - روشنایی - نوشید  
(۳) محصول - روشنایی - خورد

-۳۳- ترجمه کلمات مقابله به ترتیب کدام است؟ «لوحة - مُجالسة - حُسْنَة - حَسَنَة»

- (۲) تابلو - همنشینی - خوبی - خوب  
(۴) تابلو - همنشینی - خوب - خوبی

- (۱) گچ - نشستن - خوبی - خوب  
(۳) گچ - همنشینی - خوبی - خوبان

-۳۴- واژه‌های «أَحْجَارٌ - صِيرَرٌ - فَائزٌ - كُنُوزٌ» به ترتیب به چه معناست؟

- (۲) درختان - خردسالی - برنده - گنج‌ها  
(۴) درختان - خردسالی - جوینده - گنج

- (۱) سنگ‌ها - کوچکی - جوینده - گنج  
(۳) سنگ‌ها - کوچکی - برنده - گنج‌ها

-۳۵- کدام ترجمه نادرست است؟

- (۲) «أَولَئِكَ الْمُجَاهِدُونَ جَاؤُوا»: آن مجاهدان آمدند.  
(۴) «هُؤلَاءِ إِلَيَّانِيُونَ ذَهَبُوا»: این ایرانی رفت.

- (۱) «أَولَئِكَ مُجَاهِدُونَ»: آن‌ها مجاهد هستند.  
(۳) «هُؤلَاءِ إِلَيَّانِيُونَ»: این‌ها ایرانی هستند.

-۳۶- کدام ترجمه نادرست به کار رفته است؟

- (۴) عند: کنار

- (۳) سنه: سال

- (۱) واقف: ایستاده  
(۲) موت: مرده

**۳۷**- ترجمه ترکیب‌های اضافی و وصفی مقابله به ترتیب کدام است؟ «قلیل الکلام – سکوت اللسان – اللغة العربية»

- ۱) کم‌سخنی – سکوت زبان – زبان عرب  
۲) کم‌سخن – سکوت درست – زبان عربی  
۳) کم‌سخنی – سکوت کوتاه – زبان اعراب  
۴) کم‌سخن – سکوت زبان – زبان عربی

- ۱) کم‌سخنی – سکوت زبان – زبان عرب  
۲) کم‌سخنی – سکوت کوتاه – زبان اعراب  
۳) کم‌سخنی – سکوت زبان – زبان اعراب

**۳۸**- کدام گزینه درست است؟

- ۱) «لا، هذه حقيقة السفر.»: نه، این وسایل تفریح است.  
۲) «نعم، تلك شجرة الزمان.»: بل، این درخت انار است.

- ۱) «أَ هذِه حَقْيَّةُ الْمَدْرَسَةِ؟»: آیا این وسایل مدرسه است?  
۲) «هَلْ تَلَك شَجَرَةُ الزَّمَانِ؟»: آیا آن درخت انار است?

**۳۹**- واژه‌های «سائق – چیزیف – سیارات – حسام» به ترتیب به چه معنایست؟

- ۱) راننده – مهمان – خودروها – بُرْنَدَه  
۲) راننده‌ها – مهمان – خودروها – بُرْنَدَه  
۳) راننده – مهمانان – خودرو – شمشیر

- ۱) راننده – مهمان – خودروها – بُرْنَدَه  
۲) راننده – مهمانان – خودروها – شمشیر

**۴۰**- کدام ترجمه در مورد ترکیب اضافی و وصفی نادرست است؟

- ۱) جنديه شجاعه: سربازان دلاور ۲) سائق السيارة: راننده خودرو ۳) حسن العهد: خوش‌پیمانی ۴) أَخْت زَيْنَب: خواهر زینب

- ۱) جنديه شجاعه: سربازان دلاور ۲) سائق السيارة: راننده خودرو ۳) حسن العهد: خوش‌پیمانی ۴) أَخْت زَيْنَب: خواهر زینب

**۴۱**- کدام ترجمه درست است؟

- ۱) ما جَلَسْ: نمی‌نشینند ۲) لا يَجْلِسُ: نشینند ۳) سِيَجْلِسُ: می‌نشینند ۴) يَجْلِسَنَ: می‌نشینند

- ۱) ما جَلَسْ: نمی‌نشینند ۲) لا يَجْلِسُ: نشینند ۳) سِيَجْلِسُ: می‌نشینند ۴) يَجْلِسَنَ: می‌نشینند

**۴۲**- کدام ترجمه درست است؟

- ۱) ذهبت: رفید ۲) تَذَهَّبُونَ: می‌روی ۳) لا أَذَهَبَ: نرو ۴) سوف تَذَهَّبَنَ: خواهی رفت

- ۱) ذهبت: رفید ۲) تَذَهَّبُونَ: می‌روی ۳) لا أَذَهَبَ: نرو ۴) سوف تَذَهَّبَنَ: خواهی رفت

**۴۳**- کدام ترجمه درست است؟

- ۱) يَعْرَفَانِ: می‌شناسید ۲) صَدَقَتْ: راست گفتی ۳) لا أَنْظَرْ: نگاه نمی‌کنند ۴) سَمِعَنَ: شنیدند

- ۱) يَعْرَفَانِ: می‌شناسید ۲) صَدَقَتْ: راست گفتی ۳) لا أَنْظَرْ: نگاه نمی‌کنند ۴) سَمِعَنَ: شنیدند

**۴۴**- کدام ترجمه نادرست است؟

- ۱) سمعتَنَ: شنیدید ۲) ما سَمِعَنَا: نمی‌شنوید ۳) لا تَسْمَعُ: نمی‌شنویم ۴) سَأَسْمَعُ: خواهم شنید

- ۱) سمعتَنَ: شنیدید ۲) ما سَمِعَنَا: نمی‌شنوید ۳) لا تَسْمَعُ: نمی‌شنویم ۴) سَأَسْمَعُ: خواهم شنید

**۴۵**- کدام ترجمه نادرست است؟

- ۱) صَدَقْتَ: راست گفتم ۲) أَنْظَرْ: نگاه می‌کنم ۳) ثَلَبْسُ: پوشید ۴) ما قدَفْتَ: نینداختی

- ۱) صَدَقْتَ: راست گفتم ۲) أَنْظَرْ: نگاه می‌کنم ۳) ثَلَبْسُ: پوشید ۴) ما قدَفْتَ: نینداختی

## ● مهارت درک و فهم

**۴۶**- جای خالی، مناسب کدام گزینه است؟ «الْعَالَمُ الْمُؤْمَنُ كَ..... الرَّحْمَةِ وَالْوَرِ». ۱) صَفٌ ۲) فَرِيَضَةٌ ۳) جَبْلٌ ۴) مَدْرَسَةٌ

**۴۷**- جای خالی، مناسب کدام گزینه است؟ «حَمِيدٌ اسْمُ إِبْنٍ وَ حَمِيدَةٌ اسْمُ ..... . ۱) طَالِبٌ ۲) مَعْلَمٌ ۳) رَجُلٌ ۴) بَنْتٌ

**۴۸**- کدام گزینه، به ترتیب، مناسب جاهای خالی است؟ «تلك الشَّجَرَةُ ..... ثُمَّ طَلْبُ الْعِلْمِ ..... ». ۱) فَيٌ - مجالسة ۲) بَلَاءً - مجالسة ۳) فِي - فريضة ۴) بَلَاءً - مجالسة

**۴۹**- جای خالی به ترتیب، مناسب کدام گزینه است؟ «قيمةُ الْإِنْسَانِ بِ..... / خَيْرُ النَّاسِ ..... النَّاسِ. ۱) سَنَةٌ - أَنْفعٌ ۲) عَقْلَهُ - أَصْغَرٌ ۳) سَنَةٌ - أَصْغَرٌ ۴) عَقْلَهُ - أَنْفعٌ

**۵۰**- کدام گزینه مناسب جاهای خالی است؟ «اثنَانٌ - ..... - أَرْبَعَةٌ - ..... - سَنَةٌ - ..... ». ۱) ثَلَاثَةٌ - سَبْعَةٌ ۲) خَمْسَةٌ - عَشْرَةٌ - ثَمَانِيَّةٌ ۳) ثَلَاثَةٌ - سَبْعَةٌ - خَمْسَةٌ - سَبْعَةٌ ۴) سَنَةٌ - أَنْفعٌ

**۵۱**- کدام گزینه مناسب جاهای خالی است؟ «الثَّانِي - الثَّالِثُ - ..... - الْخَامِسُ - ..... ». ۱) أَرْبَعَةٌ - سَنَةٌ ۲) الْزَّادُعُ - السَّادِسُ ۳) أَرْبَعَةٌ - السَّادِسُ ۴) الْزَّادُعُ - السَّنَةُ

**۵۲**- کدام گزینه مناسب جاهای خالی است؟ «السَّابِعُ - ..... - التَّاسِعُ - ..... - الْعَاشرُ - ..... ». ۱) الْثَّامِنُ - الحَادِي عَشَرُ ۲) السَّادِسُ - الثَّانِي عَشَرُ ۳) سَعْدَةٌ - أَحَدِ عَشَرٍ ۴) سَتَّةٌ - اثْنَا عَشَرٍ

**۵۳**- اگر بخواهیم فصل‌های سال را به ترتیب به زبان عربی بیان کنیم، کدام گزینه درست است؟ ۱) الْرَّبِيعُ - الْخَرِيفُ - الْصَّيفُ - الْشَّتَاءُ ۲) الْشَّتَاءُ - الْخَرِيفُ - الْرَّبِيعُ - الْصَّيفُ ۳) الْرَّبِيعُ - الْصَّيفُ - الْخَرِيفُ - الْشَّتَاءُ

- ۵۴-** اگر بخواهیم غذاهای صبح و ظهر و شب را به ترتیب به زبان عربی بیان کنیم، کدام گزینه درست است؟  
 ۱) عَدَاءٌ - عَشَاءٌ - فَطُورٌ      ۲) فَطُورٌ - عَدَاءٌ - عَشَاءٌ      ۳) عَدَاءٌ - عَشَاءٌ - فَطُورٌ      ۴) عَشَاءٌ - عَدَاءٌ - فَطُورٌ
- ۵۵-** کدام ترتیب در مورد روزهای هفته نادرست است؟  
 ۱) السبت - الأحد - الإثنين - الثلاثاء - الأربعاء - الخميس - الجمعة - السبت      ۲) الإثنين - الأحد - الأربعاء - الثلاثاء - الأربعاء - الجمعة - الخميس - السبت
- ۵۶-** مفهوم آیة شریفه «لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الغَيْبُ إِلَّا اللَّهُ» چیست؟  
 ۱) تنها خداوند نسبت به غیب جهان قدرت دارد.      ۲) هم آسمان غیب و پنهان دارد و هم زمین.      ۳) تنها خداوند به غیب جهان آگاه است.      ۴) آشکار و پنهان جهان به دست خداست.
- ۵۷-** کدام عبارت در مورد ارزش دانش و دانشمندان بیان نشده است؟  
 ۱) حسَنُ التَّسْوَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ.      ۲) طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيقَةٌ.      ۳) أَلْوَانُ عَلَمِ إِبْرَانِ أَخْضَرُ وَأَبْيَضُ وَأَحْمَرُ.
- ۵۸-** در کدام گزینه به «فراموشی علم و دانش» اشاره شده است؟  
 ۱) العَالَمُ بِلَا عَالِمٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ.      ۲) آفَةُ الْعِلْمِ التَّسْبِيَّانُ.
- ۵۹-** کدام عبارت در مورد نکوهش نادانی است؟  
 ۱) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ ضَدَّةِ الْجَاهِلِ.      ۲) آفَةُ الْعِلْمِ التَّسْبِيَّانُ.
- ۶۰-** حدیث‌های «خُبُوطُ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» و «رُبَّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ»، به ترتیب به کدام موضوع اشاره دارد؟  
 ۱) میهن‌پرستی - خوش‌گفتاری      ۲) میهن‌دوستی - تأثیر سخن      ۳) میهن‌دوستی - تأثیر سخن      ۴) میهن‌دوستی - خوش‌گفتاری
- متن‌های زیر را با دقّت بخوانید. آن‌گاه در مورد پرسش‌های مطرح شده، پاسخ درست را برگزینید.  
 ارسَلَ رَجُلٌ وَلَدَهُ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ لِكِسْبَ التَّجَارِبِ. فَلَمَّا خَرَجَ الْوَلَدُ مِنَ الْمَدِينَةِ، شَاهَدَ ثَلْبًا مَرِيشًا. فَوَقَفَ مَذَّةً وَفَكَرَ: «كَيْفَ يَحْصُلُ عَلَى الطَّعَامِ؟». فِي هَذِهِ الْلَّحظَةِ شَاهَدَ أَسَدًا جَنْبَ صَبَّيْدٍ. فَلَمَّا قَرُبَ مِنَ التَّعْلِبِ أَكَلَ مِنَ الصَّبَّيْدِ وَتَرَكَ الْبَاقِيَ وَذَهَبَ. بَعْدَ لَحْظَةٍ حَرَّكَ التَّعْلِبُ نَفْسَهُ بِضَعْوَةٍ وَقَرَبَ مِنَ الصَّبَّيْدِ وَبَدَأَ بِالْأَكْلِ.
- ۶۱-** واژه‌های مشخص شده در سطر اول، به ترتیب به چه معناست؟  
 ۱) پدرش را - پس زمانی که - رویاه - پس ایستاد      ۲) چهار - هفت  
 ۳) پسرش را - پس مدتی که - رویاه - پس نشست      ۴) پسرش را - پس زمانی که - گرگ - پس ایستاد
- ۶۲-** در سطر اول چند فعل ماضی وجود دارد؟  
 ۱) هشت - دو      ۲) هفت - دو      ۳) پنج - هفت      ۴) شش - چهار
- ۶۳-** واژه‌های مشخص شده در سطر دوم و سوم، به ترتیب به چه معناست؟  
 ۱) کنار - خورد - رفت - به سختی      ۲) کنار - دید - دوید - به سختی  
 ۳) کنار - دید - رفت - با ترس      ۴) نزدیک - خورد - دوید - به سختی
- ۶۴-** در سطر دوم و سوم، به ترتیب چند فعل ماضی و مضارع وجود دارد؟  
 ۱) هشت - دو      ۲) هفت - دو      ۳) هفت - یک      ۴) هشت - یک
- ۶۵-** چه کسی برای کسب تجربه به خارج از شهر رفت؟  
 ۱) پسر      ۲) پسر در مورد چه موضوعی مدتی فکر کرد؟  
 ۳) رزق و روزی حیوانات به دست کیست؟  
 ۴) چگونه شیر شکار می‌کند؟
- پسر در مورد چه موضوعی مدتی فکر کرد؟  
 ۱) چرا شکارچیان حیوانات را شکار می‌کنند؟      ۲) برادران      ۳) رزق و روزی حیوانات به دست کیست?

**۶۷**- در مورد روباه و شیر کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) شیر مقداری از شکار را خورد و بقیه را رها کرد.  
۲) روباه چیزی از شکار را نخورد.  
۳) روباه باقی مانده شکار شیر را خورد.

سمع الغزال الصغير كلام الأسد والذئب، إنهم يتحدىن و يتغافران بقتل الحيوانات والسيطرة على الغابة، عندما رجع الغزال سالًّاً أمًا، عندما يفتخر الآخرون بقوتهم، فنحن لماذا نفتخر؟  
قالت الأم: نحن تحملنا صعوبة الحياة بشهامةٍ بين هذه الوحوش سوأٌ طوبى ولكن ما انهرَّنا و ما ترَكنا الغابة و اكتسبنا رزقنا. هذا فخرنا يا ولدي فابتسم الغزال و رفع رأسه بافتخار.

**۶۸**- در سطر اول و دوم، واژه‌های مشخص شده به ترتیب به چه معناست؟

- ۱) گرگ - جنگل - مادرش - چرا  
۲) روباه - جنگل - مادرش - چرا  
۳) گرگ - جنگل - مادرش - به چه

**۶۹**- در سطر سوم، واژه‌های مشخص شده به ترتیب به چه معناست؟

- ۱) سختی زندگی - سال‌ها - رها نکردیم - لبخند زد  
۲) راه‌های زندگی - هفته‌ها - رها نکردیم - لبخند زد  
۳) سختی زندگی - سال‌ها - چرا رها کنیم - خندید

**۷۰**- در سطر اول و دوم، به ترتیب چند فعل ماضی و مضارع وجود دارد؟

- ۱) سه - سه  
۲) سه - چهار  
۳) چهار - چهار  
۴) چهار - سه

**۷۱**- در سطر سوم و چهارم، چند فعل وجود دارد؟

- ۱) پنج  
۲) شش  
۳) هشت  
۴) هفت

**۷۲**- کدام بک از حیوانات، از سیطره بر جنگل سخن می‌گفتند؟

- ۱) آهو و روباه  
۲) روباه و شیر  
۳) گرگ و شیر  
۴) گرگ و روباه

**۷۳**- کدام حیوان از مادرش در مورد افتخار خود پرسید؟

- ۱) روباه  
۲) آهو  
۳) شیر  
۴) کبوتر

**۷۴**- اگر بخواهیم عنوانی برای متن بگذاریم، کدام عنوان مناسب‌تر است؟

- ۱) شهامت و دلاوری  
۲) چگونگی ترک جنگل  
۳) ظلم و ستم شیر  
۴) احترام به پدر و مادر

## مهارت شناخت و کاربرد قواعد

**۷۵**- در کدام آیه شریفه، جمع مکسر به کار نرفته است؟

- ۱) ﴿يضربُ اللهُ الْأَمْثَالَ لِلتَّنَاسِ وَاللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾  
۲) ﴿فَالْأَوْلَى لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنَ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ﴾  
۳) ﴿لَا أَقُولُ لَكُمْ لَكُمْ هَذَا بِآلَهَتِنَا﴾

**۷۶**- مفرد کلمات مقابل، به ترتیب کدام است؟ «الذین - هؤلاء - هم»

- ۱) الذي - هذا - هو  
۲) الذي - هذه - هي  
۳) التي - هذا - هو  
۴) التي - هذه - هي

**۷۷**- مفرد کلمات مقابل، به ترتیب کدام است؟ «أولياء - إخوة - فواكه - أنفس»

- ۱) ولی - اخت - فاكهه - نفس  
۲) ولاية - اخ - فكه - نفس  
۳) ولی - اخ - فاكهه - نفس  
۴) ولاية - اخت - فكه - نفوس

**۷۸**- مفرد کلمات مقابل، به ترتیب کدام است؟ «زماء - رياضيون - مدرستان - سيدات»

- ۱) زمیل - ریاضه - مدرس - سیده  
۲) زمیل - ریاضی - مدرسه - سیده  
۳) زمیله - ریاضه - مدرسه - سید  
۴) زمیله - ریاضی - مدرسه - سید

**۷۹**- در کدام گزینه اسم مشتی به کار نرفته است؟

- ۱) بنتان  
۲) مسلمین  
۳) شجرتین  
۴) مرأتان

**۸۰**- جمع کلمات «شجر - صف - طالب - بنت» به ترتیب کدام است؟

- ۱) أشجار - صفوف - طلاب - بنات  
۲) سُجَيْرَة - أصناف - طلاب - أبيات  
۳) سُجَيْرَة - صفو - طلبة - بنتات

٣) أين ذلك الرجل؟ في الغابة. ٤) لمن هذا المرقد؟ الباب.

٢) متى تلعبن كرة المنضدة؟ في الصباح.

٤) يم سافر؟ عند الغروب.

٢) هذه المدرسة كبيرة.

٤) هاتان الوردتان جميلتان.

٣) ذلك الجبل مرتفع. ٤) هذه الشجرة عجيبة.

٢) باء - تاء - ثاء - جيم - حاء - خاء

٤) عين - غين - صاد - ضاد - طاء - ظاء

٢) هؤلاء الأئم معلمي.

٤) هذا الولد في هذه المدرسة.

٤) ذهب ٣) وردة ٢) كتب

٤) أنا ٣) ك ٢) ه

٤) نظيفاً / هاتان ..... مسروقاتان. ٣) الطفلة - الطالبات ٤) الطالب - المرأتين

٢) هذين - هذه - هذا - هاتين

٤) هذين - هذه - هذه - هذين

-٨١- کدام پرسش و پاسخ درست است؟

١) ماذا على الشجرة؟ السيارة. ٢) هل هذا زميلك؟ القلم.

-٨٢- کدام پرسش و پاسخ نادرست است؟

١) ماذا في هذه الشاحنة؟ الشجرة.

٣) كيف حالك يا تلميذات؟ نحن بخير.

-٨٣- در کدام گزینه اسم اشاره به کار نرفته است؟

١) هذان الولدان نظيفان.

٣) هل جراء الاحسان إلإ الاحسان؟

-٨٤- کدام گزینه نادرست است؟

١) هذا أخت صديقي.

-٨٥- در کدام گزینه ترتیب حروف الفباء رعايت نشده است؟

١) دال - ذال - راء - زاء - سین - شین

٣) لام - ميم - نون - هاء - واو - ياء

-٨٦- کدام گزینه نادرست است؟

١) ثمر هذه الشجرة الكبيرة الذي.

٣) ذلك الطالب التاجع في الصف الثالث.

-٨٧- کدام واژه می تواند «اسم» باشد؟

١) يرفع

-٨٨- کدام کلمه مؤنث است؟

١) مِنْ

٢) كَتَبَتْ

٣) ك

٤) ه

-٨٩- به ترتیب، کدام گزینه مناسب جاهای خالی است؟ «ذلك ..... نظيفاً / هاتان ..... مسروقاتان.»

٢) الطالب - المرأتين

٤) الطفلة - الطالبات

٢) هذين - هذه - هذا - هاتين

٤) هذين - هذه - هذه - هذين

-٩١- جمع اسمها به ترتیب کدام است؟ حي - مجاهد - سنة - هذه

١) أحيا - مجاهدون - أستان - هؤلاء

٣) حياة - مجاهدين - سنوات - أولئك

-٩٢- برای کدام گزینه واژه «أولئك» به کار می روید؟

١) المفاتيح

٢) اللاعبون

-٩٣- در کدام گزینه، اسم مؤنث به کار نرفته است؟

١) الذهر يوم لك و يوم عليك.

٣) تفّكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة.

٤) الحدائق ٣) العبر

٢) خير الأمور أوسطها.

٤) نعمتان مجھولتان الصحة والأمان.

٢) عباش و سلمان و ميثم ..... / أولئك الأولاد ..... ممتازون.

٤) مسروقات - لاعبات ٣) مسروقات - لاعبون

٢) في كتب القصص عبّر للأطفال.

٤) هاتان هديتان غاليليان.

-٩٤- در کدام گزینه، جمع به کار نرفته است؟

١) أولئك النساء جالسات عند العالمات.

٣) هؤلاء اللاعبون فائزون في مسابقاتهن.

**٩٦**- در کدام گزینه، تمام اسم‌ها جمع نیستند؟

- ۱) حافظون - أحیاء - بنات - ناجحین  
۳) صفر - هم - حدائق - شارع

**٩٧**- جمع کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) حقيقة: حقائب  
۲) باعث: باعثات

**٩٨**- در کدام گزینه، اسم اشاره به کار نرفته است؟

- ۱) أنت جندي؟  
۲) لا، هنا قرية.

**٩٩**- مؤثر واژه‌های «الابن - الأخ - هذان - الرجل» به ترتیب کدام است؟

- ۱) البنت - الأخ - هاتان - المرأة  
۴) الأخ - إخوة - هاتان - المرأة

**١٠٠**- در کدام گزینه، فعل از نظر زمان با باقیه ناهمانگ است؟

- ۱) هما جعلتا.  
۲) هما يسمحان.

**١٠١**- در کدام گزینه، فعل و ضمیر ناهمانگ است؟

- ۱) أنتن نظرتن.  
۲) هن شرحن.

**١٠٢**- در کدام گزینه، فعل از نظر صیغه با باقیه تفاوت دارد؟

- ۱) أخذتم  
۲) تأخذون

**١٠٣**- کدام فعل، مناسب ضمیر منفصل آمده است؟

- ۱) هم صبرتم.  
۲) هن عبرن.

**١٠٤**- کدام فعل، مناسب ضمیر منفصل نیامده است؟

- ۱) هن يطبخن.  
۲) أنت تضحكين.

**١٠٥**- کدام فعل، مناسب ضمیر منفصل آمده است؟

- ۱) نحن يغفرون.  
۲) أنت أفتح.

**١٠٦**- کدام فعل، مناسب ضمیر منفصل نیامده است؟

- ۱) هي قربث.  
۲) هما قبلتما.

**١٠٧**- کدام فعل، مناسب ضمیر منفصل نیامده است؟

- ۱) هن تکمن.  
۲) أنت تقذف.

**١٠٨**- ضمیر منفصل مناسب فعل‌های «نَدَمْتُ - يَنْصُرُونَ - تَكَذَّبُ» کدام است؟

- ۱) أنا - هن - أنت  
۲) أنت - هم - أنت  
۳) أنت - هم - هي

**١٠٩**- کدام یک از ضمیرهای منفصل، به ترتیب مناسب این فعل‌هایست؟ «وصلوا - ما نفعن - ننصر»

- ۱) هم - هن - نحن  
۲) هم - أنتن - نحن  
۳) هو - هن - نحن

**١١٠**- در کدام گزینه، شغل به کار نرفته است؟

- ۱) أنت شرطي.  
۲) أنا مدرّسة الكيمياء.

**١١١**- عبارت «مكان يأكل فيه الناس القطور والعشاء والطعام» در مورد چیست؟

- ۱) الضيوف  
۲) الغابة  
۳) الجامعة

**١١٢**- عبارت «هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدُعْوَةٍ أَوْ غَيْرِ دُعْوَةٍ» توضیح‌دهنده چیست؟

- ۱) الشمس  
۲) المعلم  
۳) الضيف

**١١٣**- عبارت «طائِرٌ سُوْدُ اللَّوْنِ لِيُسْ جَمِيلَ الصَّوْتِ». توضیح‌دهنده چیست؟

- ۱) الغراب  
۲) البلبل  
۳) الذئب

**١١٤**- عبارت «رياضة يلعب فيها إثنان وعشرون لاعباً» در مورد چیست؟

- ۱) كرة السلة  
۲) كرة القدم  
۳) الملعب

# پاسخ‌های تشریحی

۸- سحاب (ابر) / بقیه میوه هستند.

## التَّفْرِينُ السَّادِسُ

- ۱- كُرْتَةُ الْقَدْمِ ← رياضة ...
- ۲- الْمُحَافَظَةُ (استان) ← وازة اضافي است.
- ۳- الْمَطْعَمُ ← مكان يأكل ...
- ۴- الْمَسَاءُ ← وقت ...
- ۵- الْغَابَةُ ← أرض ...
- ۶- الْغَرَابُ ← طائر ...
- ۷- الْصَّيْفُ ← هو الذي ...

## التَّفْرِينُ السَّابِعُ

- |               |              |
|---------------|--------------|
| ۱- الْأَمَانُ | ۲- الْحَجَرُ |
| ۳- ذَهَبٌ     | ۴- عَلَيْكُ  |
| ۵- الْجَاهِلُ |              |

## التَّفْرِينُ الثَّالِثُ

- زَخِيشَة ≠ غالية / بعيد ≠ قريب / يسار ≠ يمين  
 بَيْع ≠ شراء / بِدايَة ≠ نهاية / بارِد ≠ حار  
 حَزِين ≠ فَرِح / قَبِيج ≠ جميِل / ضَدَق ≠ كَذَب  
 قَلِيل ≠ كَثِير / غَدَوَة ≠ صَدَاقَة / نَهَار ≠ لَيْل

## التَّفْرِينُ التَّاسِعُ

- |                          |                            |
|--------------------------|----------------------------|
| ۱- مثنى مذكر ← فلاحان    | ۲- مفرد مؤنث ← شجرة        |
| ۳- مثنى مؤنث ← مدرستان   | ۴- جمع مذكر سالم ← رياضيون |
| ۵- جمع مؤنث سالم ← سيدات | ۶- جمع مذكر ← أوراق        |

## پاسخ نمونه سؤالات امتحانی

- ۱- قطعاً خداوند به مردم ستم نمی‌کند، ولی مردم خودشان ستم می‌کنند.
- ۲- دو نعمت ناشناخته است؛ سلامتی و امنیت.
- ۳- آن، آرامگاه جابر بن حیان، دانشمند شیمی است.
- ۴- دانش‌آموزان [دختر] کیف‌هایشان را برمی‌دارند و به مدرسه می‌روند.
- ۵- کارهایم را با نام خدا آغاز می‌کنم و نام خدایم خوشحالی ام را می‌افزاید.
- ۶- (۱) پُر - دختران
- ۷- (۲) تحصیل - شروع می‌شود
- ۸- (۳) گناهان - زبانش
- ۹- (۴) می‌خوانم - پروردگارم
- ۱۰- (۵) حق - بیشتر آن‌ها
- ۱۱- (۳) (ب)
- ۱۲- (۲) (الف)
- ۱۳- (۱) (الف)
- ۱۴- (۴) (الف)
- ۱۵- (۵) (الف)
- ۱۶- (۱) می‌خورد - هیزم
- ۱۷- (۳) کسی است که - دوستی
- ۱۸- (۴) قطعاً - گناهان
- ۱۹- (۵) چند - اطراف (پیرامون)

۱- ماذا على الشَّجَرَة؟ الْحَمَامَاتِ عَلَى الشَّجَرَةِ.

۲- هل هذا زَمِيلُك؟ نعم، هذا زَمِيلي.

۳- أين مُسْتَشْفَى بِدَاد؟ في شارع فضالة.

۴- لِمَنْ هَذَا الْكِتَاب؟ لعلِي بن أبي طالب.

۵- في أيِّ عَلَمٍ هَذَا الْعَالَمُ مَعْرُوفٌ؟ هَذَا الْعَالَمُ مَعْرُوفٌ فِي عِلْمِ الْكِيمِيَاءِ.

۶- كَمْ حَافِلَ فِي الْمَوْقِفِ؟ أربع حافلات في الموقف.

۷- هل هُنَا مِنْطَقَةٌ تَعْلِيمُ الْمَرْوُرِ؟ نعم، هُنَا مِنْطَقَةٌ تَعْلِيمُ الْمَرْوُرِ.

۸- مَنِيَ تَلْعَبُ كُرْتَةَ الْمِنْصَدَةِ؟ تَلْعَبُ كُرْتَةَ الْمِنْصَدَةِ فِي الْمَسَاءِ.

۹- يا تَلَمِيذَاتُ، كَيْفَ حَالُكُنَّ؟ نَحْنُ بِخَيْرِ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

۱۰- بِمَ يَسَافِرُ الْحَاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ؟ يَسَافِرُ الْحَاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ بِالطَّائِرَةِ.

## التَّفْرِينُ الثَّالِثُ

۱- ثَلَاثَة - خَمْسَة - سَبْعَة - تِسْعَة - أَحَدَعَشَرَ

۲- الثَّانِي - الرَّابِعُ - السَّادِسُ - الثَّامِنُ - الْحَادِيَعَشَرَ

۳- الإِثْنَيْنِ - الْأَرْبَاعَاءِ - الْخَمِيسِ

۴- الصَّيفُ - الشَّتَاءُ

۵- الْعَشَاءُ

## التَّفْرِينُ الثَّالِثُ

۱- أنا مُعَلِّمٌ - أنا تَلَمِيذٌ - أنا طَبِيبٌ - أنا سَائِقٌ ...

۲- أنا بِخَيْرِ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

۳- أنا من إيران (إيراني).

۴- أنا في الصَّفَ التَّاسِعِ.

۵- يَبْدِأُ الْعَامُ الْدَّرَسِيُّ فِي إِرَانَ مِنْ شَهْرِ مَهْر (أَوْ فَضْلِ الْخَرِيفِ).

## التَّفْرِينُ التَّاسِعُ

۱- نَحْنُ نَجْحُنَا.

۲- أَئْتَ لَا تَتَذَبَّ.

۳- هُنَّ يَقْدِيرُنَّ.

## التَّفْرِينُ الْعَاصِمُ

۱- حَقِيقَة (كيف) / بقِيه نام شغل هستند.

۲- عَامِل (كارگر) / بقِيه نام مكان هستند.

۳- لَؤْن (رنگ) / بقِيه انسان هستند.

۴- قَوْل (گفتار) / بقِيه اعضای بدن هستند.

۵- جَنَّة (بهشت، باغ) / بقِيه نام حیوان هستند.

۶- أَسْرَة (خانواده) / بقِيه کرات آسمانی هستند.

۷- ذَهَب (طلاء) / بقِيه به زمان اشاره دارند.

- (۳) الْغَابَةُ (جنگل) واژه اضافی است. (۴) الْخُمْسُ: جُزءٌ ... .  
 (۵) الْخَرِيفُ: فَصْلٌ ... . (۶) الْصَّيْفُ: هُوَ الَّذِي ... .
- ۱۶** (۱) سختی‌ها (۲) مهریانی (۳) سال  
 (۴) نشستن (۵) میز  
**۱۷** (۱) رسیدید (۲) موفق شدیم (۳) نشنیدیم  
 (۴) می‌اندازی (۵) دانش آموخته می‌شوم

- = (۱) -۵  
 = (۲) = (۳)  
 = (۴) = (۵)  
 = (۶) = (۷)  
 = (۷) = (۸)  
 = (۸) = (۹)  
 = (۹) = (۱۰)

- ۱۶** (۱) مُحَافَظَةً (استان) / بقیه در مورد درخت است.  
 (۲) لُون (رنگ) / بقیه اعضای بدن است.  
 (۳) غَايَةً (پایان) / بقیه مربوط به درخت و جنگل است.  
 (۴) قَمَر (ماه) / بقیه نام حیوان هستند.

- (۵) زَمَان (انار) / بقیه مربوط به زمان هستند.

- ۱۷** (۱) عَرَاب (کلاغ) (۲) كَوْكَب (ستاره)

- (۳) طَائِرَة (هوایپیما) (۴) كُرْتَه (توب)

**توضیح:** واژه «طَبِيبَة» خانم دکتر، اضافی است.

- ۱۸** (۱) «أَجْمَعُ» مضارع است و بقیه ماضی.

- (۲) «نَأَكَلُ» مضارع است و بقیه ماضی.

- (۳) «حَرَسَتْ» مضارع است و بقیه مضارع.

- (۴) «سَجَدَتْ» مضارع است و بقیه مضارع.

- (۵) «زادَ» مضارع است و بقیه مضارع.

- ۱۹** (۱) أَدْكَرُ ← مضارع (۲) كَتَمَ ← مضارع

- (۳) لَيَسَ ← مضارع

- (۴) يَسْجُدُ ← مضارع

- (۵) يَخْرُونَ ← مضارع

- ۲۰** (۱) هُنَّ عَرَفُنَ .

- (۲) أَنَا أَسْمَعُ .

- (۳) أَثْنَى ذَهَبَتْنَ .

- (۴) هُمْ يَكْتُمُونَ .

-۱۱

ماضی	قریبٌ	فتحتُم	سافرا
ترجمه	رَاسَتْ	نَزَدِيكَ شَدَ	مسافرتَ كَرَدَنَد
مضارع	نَلْيَسَ	يَعِيشُونَ	أَصْدَقُ
ترجمه	رَاسَتْ مَيْ كَنَنَد	مَيْ بُوشِيم	زَنْدَگَى مَيْ كَنَنَد

- ۲۱** (۱) ثَدَّهَبُ (۲) ثَطْلَخَانِ (۳) ثَنْذَدِبُ

- (۴) ثَدَّهَبَونَ (۵) سَافِرَتْ

- ۲۲** (۱) الدَّرَاسِيُّ (۲) الْعَرَابُ (۳) يَؤْمَانِ

- (۴) الْمَزْءُوُعُ (۵) التَّاسِ

- ۲۳** (۱) هُدَيْهَ كَتَبَ . (۲) هُمْ جَلَسُوا تَحْتَ الشَّجَرَةَ .

- (۳) هُنَّ يَلْغَبَنَ . (۴) هُنَّ يَلْغَبَنَ .

- ۲۴** (۱) الْمَسَاءُ: وَقْتُ ... . (۲) الْمَلْعَبُ: مَكَانٌ ... .

- ۱** **گزینه ۱** يَسْجُدُ: سجده می‌کند / من: کسی که / الشَّمْس: خورشید  
 الْقَمَر: ماه / التَّلِجُوم: ستارگان / الْجَبَال: کوه‌ها / الشَّجَر: درخت
- ۲** **گزینه ۲** لا يظلم: ستم نمی‌کند / شيئاً چیزی، ذرای / ولکن: ولی /  
 افسهم: خودشان / يظلمون: ظلم می‌کنند
- ۳** **گزینه ۲** أَلَا هَانَ / أُولَيَاءُ الله: دوستان خدا / لا خوفٌ عَلَيْهِمْ: نه ترسی  
 بِرَايَشَنْ هَسْتَ / وَ لَا هُمْ يَحْرَبُونَ: و نه آن‌ها غمگین می‌شوند
- ۴** **گزینه ۲** يَأْكُلُ: می‌خورد / الحَسَنَات: خوبی‌ها را / کما: همان‌گونه  
 که / التَّار: آتش / الْحَطَبَ: هیزم را
- ۵** **گزینه ۱** أَعْلَمُ النَّاس: داناترین مردم / من: کسی است که / جَمَع: افزود  
 (در اینجا بیفراید) / عَلَمُ النَّاس: دانش مردم / عَلَمَه: دانش خود، علمش
- ۶** **گزینه ۴** كَالَّدَوَاعَ: مانند داروست / قَلِيلَه: اندکش / يَنْفَعُ: سود  
 می‌رساند / كَثِيرَه: بسیارش / قاتِل: گُشنده
- ۷** **گزینه ۲** الْعَلَمُ: دانش / الْمَال: ثروت / يَحْرُسُك: تو را حفظ می‌کند، از  
 تو نگاهبانی می‌کند / و: در حالی که / أَنْتَ: تو / تحرش: نگاهبانی می‌کنی
- ۸** **گزینه ۲** درست و اژدها نادرست: گزینه (۱): نفع: سود برساند /  
 الناس: مردم / گزینه (۲): من: هر کس / كَتَمَ: پنهان کند / گزینه (۴): أكثر  
 خطایا: بیشتر خطایا / ابن آدم: آدمیان / فی: در
- ۹** **گزینه ۴** ترجمة سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): کی تنبیس روی میز بازی  
 می‌کنید؟ / گزینه (۲): کی سال تحصیلی در ایران آغاز می‌شود؟ /  
 گزینه (۳): حاجیان با چه به مگه مکرمه سفر می‌کنند؟
- ۱۰** **گزینه ۴** ترجمة عبارت‌ها: گزینه (۱): عجله‌کردن از (کار) شیطان  
 است / گزینه (۲): قطعاً خوش‌پیمانی از ایمان است / گزینه (۳): تنهایی  
 از همنشین بد بهتر است.
- ۱۱** **گزینه ۲** ترجمة درست: قطعاً نیازهای مردم به شما نعمتی از  
 سوی خداست.
- ۱۲** **گزینه ۵** ترجمة درست: دشمنی انسان عاقل از دوستی انسان  
 نادان بهتر است.
- ۱۳** **گزینه ۳** ترجمة درست: چند صندلی اطراف میز است؟
- ۱۴** **گزینه ۲** ترجمة درست: در آن کمال است، در آن گنج‌هایی است.
- ۱۵** **گزینه ۴** ترجمة درست: «روزگار دو روز است؛ روزی به نفع تو و  
 روزی به زبان تو».
- ۱۶** **گزینه ۴** ترجمة درست: «این دو کوه بلند هستند».

- نمی‌روم / گزینهٔ (۴): خواهید رفت
- ۴۳- گزینهٔ ۱** ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): می‌شناسند / گزینهٔ (۲): راست گفت / گزینهٔ (۳): نگاه نمی‌کنم
- ۴۴- گزینهٔ ۲** ترجمه درست: نشنیدیم
- ۴۵- گزینهٔ ۳** ترجمه درست: می‌پوشیم
- ۴۶- گزینهٔ ۴** ترجمه: داشمند مؤمن مانند ..... رحمت و نور است» گزینهٔ (۱): کلاس / گزینهٔ (۲): واجب (دینی) / گزینهٔ (۳): کوه / گزینهٔ (۴): مدرسه
- توّجّه:** بعد از حرف «ک» اسم با کسره می‌آید ← کالجلب - کالاعام - کمل .....
- ۴۷- گزینهٔ ۵** ترجمه: حمید اسم پسر است و حمیده اسم ..... است.» ترجمه گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): دانشآموز (پسر) / گزینهٔ (۲): معلم (آقا) / گزینهٔ (۳): مرد / گزینهٔ (۴): دختر
- ۴۸- گزینهٔ ۶** ترجمه: آن درخت بدون میوه است. / در جستجوی علم بودن واجب (دینی) است.
- ۴۹- گزینهٔ ۷** ترجمه عبارت‌ها: «ازش انسان به عقل اوست.» / «بهترین مردم سودمندترین مردم است.»
- ۵۰- گزینهٔ ۸** ترجمه: دو - ..... - چهار - ..... - شش - .....
- ۵۱- گزینهٔ ۹** ترجمه: دوم - سوم - ..... - پنجم - .....
- ۵۲- گزینهٔ ۱۰** ترجمه: هفتم - ..... - نهم - دهم - .....
- ۵۳- گزینهٔ ۱۱** ترجمه: بهار - تابستان - پاییز - زمستان
- ۵۴- گزینهٔ ۱۲** ترجمه: صبحانه، ناهار، شام
- ۵۵- گزینهٔ ۱۳** ترجمه گزینهٔ (۴): چهارشنبه - دوشنبه - جمعه
- ۵۶- گزینهٔ ۱۴** ترجمه آیه شریفه: «کسی که در آسمان‌ها و زمین هست غیب را نمی‌داند، مگر خدا». یا «فقط خدا غیب آسمان‌ها و زمین را می‌داند.»
- ۵۷- گزینهٔ ۱۵** ترجمه گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): خوب پرسیدن نصف علم است. / گزینهٔ (۲): در جستجوی علم بودن واجب (دینی) است. / گزینهٔ (۳): رنگ‌های پرچم ایران سبز و سفید و سرخ است. / گزینهٔ (۴): همنشینی با دانشمندان عبادت است.
- ۵۸- گزینهٔ ۱۶** ترجمه گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): دانشمند بدون عمل، مانند درخت بدون میوه است. / گزینهٔ (۲): آفت و آسیب علم، فراموش کردن است. / گزینهٔ (۳): ارزش انسان به علم و ایمان است. / گزینهٔ (۴): نادانی، مرگ زندگان است.
- ۵۹- گزینهٔ ۱۷** ترجمه گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): دشمنی انسان عاقل از دوستی انسان نادان بهتر است. / گزینهٔ (۲): آفت و آسیب علم، فراموشی است. / گزینهٔ (۳): نادانی، مرگ زندگان است. / گزینهٔ (۴): خوب پرسیدن نصف علم است.
- ۶۰- گزینهٔ ۱۸** ترجمه عبارت‌ها: «عشق به وطن از ایمان است. و چه بسا سخنی که مانند شمشیر (برنده) است.»
- ۶۱- گزینهٔ ۱۹**
- ۶۲- گزینهٔ ۲۰** فعل‌های سطر اول: آرسل - خرج - شاهد - وقف - فکر
- ۶۳- گزینهٔ ۲۱**

- ۱۷- گزینهٔ ۱** ترجمه درست: «این بازیکن‌ها برنده‌اند.»
- ۱۸- گزینهٔ ۲** آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟
- ۱۹- گزینهٔ ۳** ترجمه درست: «چه کسی معلم زبان عربی است؟»
- ۲۰- گزینهٔ ۴** ترجمه درست: آیا هتل نزدیک است یا دور؟
- ۲۱- گزینهٔ ۵** ترجمه گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): خواندن / گزینهٔ (۲): تحصیل کردن / گزینهٔ (۳): نوشتن / گزینهٔ (۴): شروع کردن
- ۲۲- گزینهٔ ۶** ترجمه گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): کیف / گزینهٔ (۲): میز / گزینهٔ (۳): تلفن همراه / گزینهٔ (۴): مسواک
- ۲۳- گزینهٔ ۷** ترجمه گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): فارغ‌التحصیل می‌شود. / گزینهٔ (۲): می‌افرازید. / گزینهٔ (۳): حمل می‌کند. / گزینهٔ (۴): تدریس می‌کند.
- ۲۴- گزینهٔ ۸** ترجمه گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): دانشجویان (پسر) / گزینهٔ (۲): پسران / گزینهٔ (۳): دانشجویان (دختر) / گزینهٔ (۴): دختران
- ۲۵- گزینهٔ ۹** غالیه ≠ رخیصة
- ۲۶- گزینهٔ ۱۰** ترجمه کلمات: غالیه: (گران) - شراء (خریدن) - یمین (راست) - فرّاح (شاد شد)
- ۲۷- گزینهٔ ۱۱** (فواکه) جمع مکسر فاکهه است.
- ۲۸- گزینهٔ ۱۲** ما + ماضی ← ماضی منفی / لا + مضارع ← مضارع منفی / سوف + مضارع ← مستقبل
- ۲۹- گزینهٔ ۱۳** ترجمه درست: نورهای آسمان من دو اسم که در کنار هم قرار می‌گیرند، معمولاً یا مضاف و مضافق‌الیه هستند؛ یعنی ترکیب اضافی دارند یا موصوف و صفت هستند؛ یعنی ترکیب وصفی دارند و این موضوع در همه زبان‌ها وجود دارد و مخصوص زبان عربی نیست. اگر ترکیب اضافی و وصفی را از جمله حذف کنیم، فکر می‌کنید دیگر چیزی برای جمله می‌ماند؟! بحث ترکیب اضافی و وصفی در درس هفتم به صورت کامل بیان شده است.
- ۳۰- گزینهٔ ۱۴**
- ۳۱- گزینهٔ ۱۵**
- ۳۲- گزینهٔ ۱۶**
- ۳۳- گزینهٔ ۱۷**
- ۳۴- گزینهٔ ۱۸**
- ۳۵- گزینهٔ ۱۹** ترجمه درست: «این ایرانی‌ها رفته‌اند.»
- ۳۶- گزینهٔ ۲۰** موت: مرگ
- ۳۷- گزینهٔ ۲۱**
- ۳۸- گزینهٔ ۲۲** ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): آیا این کیف مدرسه است؟ / گزینهٔ (۲): نه، این کیف مسافرت است. / گزینهٔ (۴): بله، آن درخت انار است.
- ۳۹- گزینهٔ ۲۳**
- ۴۰- گزینهٔ ۲۴** گزینهٔ درست: سربازی دلاور / سرباز دلاوری
- ۴۱- گزینهٔ ۲۵** ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): ننشست / گزینهٔ (۲): نمی‌نشینند / گزینهٔ (۳): خواهد نشست
- ۴۲- گزینهٔ ۲۶** ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینهٔ (۲): می‌روید / گزینهٔ (۳):

- ۸۲- گزینه ۴** این سؤال و جواب ناهمانگ است: ترجمه گزینه: با چه چیزی مسافرت می کنی؟ هنگام غروب.
- ۸۳- گزینه ۲** اسم اشاره در گزینه ها: گزینه (۱): هذان / گزینه (۲): هده / گزینه (۴): هاتان
- ۸۴- گزینه ۱** شکل درست گزینه: هذه أخت صديقي (این خواهر) دوست من است.
- ۸۵- گزینه ۴** ترتیب درست گزینه: صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین ...
- ۸۶- گزینه ۲** شکل درست گزینه: هذه الأَمُّ أَم مَعْلُومٍ.
- ۸۷- گزینه ۴** گزینه های (۱)، (۲) و (۳) با توجه به شکل و حرکت کلمات تنها می توانند فعل باشند.
- یرفع (فعل مضارع)، گتبث (فعل مضاری)، وَرَد (فعل مضاری)، ولی واژه مطرح شده در گزینه (۴) اسم است: ذَهَب (طلا)، ذَهَبَ (رفت: فعل)
- ۸۸- گزینه ۳** بررسی گزینه ها: گزینه (۱): مِنْ اَزْ (حرف) / گزینه (۲): لَهْ (ضمیر و اسم مذکور) / گزینه (۳): لَكْ (...، تو، ضمیر مخاطب مؤنث) / گزینه (۴): أَنَا (من، ضمیر متکلم مذکور یا مؤنث)
- ۸۹- گزینه ۱** بررسی عبارت: ذلك (اسم اشاره مذکور)، نظيف (اسم مفرد مذکور)، هاتان (اسم اشاره مؤنث مشتی)، مسروتان (اسم مؤنث مشتی با الف)
- ۹۰- گزینه ۳** بررسی: المسجدان (مذکور و مشتی)، الوردة (مفرد مؤنث)، الانسان (مفرد مذکور)، الوالدين (مذکور و مشتی)
- ۹۱- گزینه ۵**
- ۹۲- گزینه ۲** «أولئك» اسم اشاره است که برای دور به کار می رود، البته در مورد جمع انسان و نه غیرانسان. بنابراین گزینه های (۱)، (۳) و (۴) چون اسمهایی اند برای غیرانسان، برایشان «أولئك» به کار نمی روید.
- توضیح:** اگر اسمی جمع باشد، ولی جمع انسان نباشد و جمع غیرانسان باشد در زبان عربی، مفرد مؤنث به حساب می آید؛ یعنی اسم اشاره آن می شود: «هذه» یا «تلك» و فعل و صفت و ضمیر آن نیز مفرد مؤنث می آید!
- ۹۳- گزینه ۱** اسم های مؤنث در گزینه ها:
- بررسی سایر گزینه ها: گزینه (۲): ها / گزینه (۳): ساعه، عباده، سنته / گزینه (۴): نعمتان، مجھولتان، الصحة
- ۹۴- گزینه ۲** با توجه به این که جمله اول با چند اسم مذکور آغاز شده است، در جای خالی جمع مذکور سالم (مسوروون) می آید. در مورد جمله دوم نیز چون جمله با «أولئك الأولاد» که جمع مذکور است آغاز شده، در جای خالی جمع مذکور سالم (اعیوبون) مناسب است.
- ۹۵- گزینه ۴** جمع در گزینه ها: گزینه (۱): أولئك، جالسات، العالمات / گزینه (۲): كُتُب، الْقِصَص، عِبَر، الْأَطْفَال / گزینه (۳): هُؤلَاء، الْلَّاعِبُون، فَاثُرُون
- توضیح:** واژه «التساء» مفرد است، ولی معنای جمع می دهد. به این کلمات «اسم جمع» گفته می شود؛ مانند: قوم، قبیله، شعب، ناس ... .
- ۹۶- گزینه ۳** در گزینه (۳) واژه «شارع» مفرد است.
- ۹۷- گزینه ۲** بائع (مذکور) **جمع**  $\leftarrow$  بائعون / بائعین
- بائعة (مؤنث) **جمع**  $\leftarrow$  بائعات

- ۶۴- گزینه ۴** فعل های ماضی  $\leftarrow$  شاهد - قرب - أَكَلَ - تَرَكَ - ذَهَبَ - حَرَكَ - قَرَبَ - بَدَا / فعل مضارع  $\leftarrow$  يحصل
- ۶۵- گزینه ۲** أَرْسَلَ رَجُلٌ وَلَدَهُ إِلَى خارج المدينة لكسب التجارب: مردی پسرش را برای کسب تجربه به خارج شهر فرستاد.
- ۶۶- گزینه ۴** شاهد ثلباً مريضاً. فوفق مدة و فَكَر: «كيف يحصل على الطعام؟» روباه مريضی را دید. پس مدتی ایستاد و فکر کرد: «چگونه او غذا به دست می آورد؟»
- ۶۷- گزینه ۲** براساس متن، بعد از آن که شیر از شکار خورد و بقیه را رها کرد و رفت، روباه شروع به خوردن باقی مانده شکار کرد: بعد لحظه ... قرب من الصيد و بدأ بالأكل.
- ۶۸- گزینه ۳**
- ۶۹- گزینه ۱**
- ۷۰- گزینه ۲** فعل های ماضی  $\leftarrow$  سَمِعَ - رَجَعَ - سَأَلَ / فعل های مضارع  $\leftarrow$  يَتَحَدَّثَانِ - يَتَفَاخَرَانِ - يَفْتَخِرُ - نَفَتَخَرُ
- ۷۱- گزینه ۴** فعل ها  $\leftarrow$  قَالَتْ - تَحَمَّلْنَا - مَا تَرَكْنَا - إِكْتَسَبْنَا - إِبْتَسَمَ - رَفَعَ
- ۷۲- گزینه ۳** ترجمه دو عبارت اول متن: آهوی کوچک سخن شیر و گرگ را شنید. آن ها با هم سخن می گفتند و در مورد کشن حیوانات و سیطره بر جنگل فخر فروشی می کردند.
- ۷۳- گزینه ۲** براساس متن، آهو از مادرش در مورد افتخار خود پرسید. (عندما رَجَعَ الغزال سَأَلَ أَمَّهَا: يَا أَمَّاهَا، عِنْدَمَا ... )
- ۷۴- گزینه ۱** با توجه به سخنان آهو و مادرش و زندگی پرافتخار آنان (شکست نخوردن و رهانکردن جنگل و لبخند رضایت آهو) در می یابیم که شهامت و دلاوری در برابر سختی های زندگی عامل زندگی و افتخار آن ها بوده است.
- ۷۵- گزینه ۲** جمع مکسرهای گزینه ها: گزینه (۱): الأمثال / گزینه (۳): خزان / گزینه (۴): آلهه
- ۷۶- گزینه ۱** «هؤلاء» اسم اشاره به نزدیک جمع است و هم می تواند در مورد مذکور به کار رود و هم مؤنث؛ بنابراین مفرد آن «هذا» و «هذه» هر دو درست است.
- ۷۷- گزینه ۳**
- ۷۸- گزینه ۲** بنتان مثنای «بنت» / شجرتین مثنای «شجرة» /
- ۷۹- گزینه ۲** بنتان مثنای «مرأة» / واژه «مسلمین» به دلیل این که روی نون (ن) کسره یا فتحه نیامده، هم می تواند مثنی باشد و هم جمع مذکور سالم که البته در اینجا جمع به حساب می آید، به این دلیل که گزینه های دیگر قطعاً مثنی هستند.
- ۸۰- گزینه ۱**
- ۸۱- گزینه ۲** ترجمه گزینه ها: گزینه (۱): روی درخت چیست؟ خودرو / گزینه (۲): آیا این هم کلاسی تو است؟ قلم / گزینه (۳): آن مرد کجاست؟ در جنگل / گزینه (۴): این آرامگاه برای کیست؟ در.

- ۱۱۵- گزینه<sup>۲</sup>** بررسی گزینه‌ها: شرطی (پلیس)، مُدرسه الکیمیاء (معلم شیمی)، فلاح (کشاورز)
- ۱۱۶- گزینه<sup>۳</sup>** ترجمه عبارت: «مکانی است که مردم در آن صبحانه و شام و غذا می‌خورند».
- ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): مهمانان / گزینه (۲): جنگل / گزینه (۳): دانشگاه / گزینه (۴): رستوران
- ۱۱۷- گزینه<sup>۲</sup>** ترجمه عبارت: «او کسی است که با دعوت یا بدون دعوت وارد خانه می‌شود».
- ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): خورشید / گزینه (۲): معلم / گزینه (۳): مهمان / گزینه (۴): استان
- ۱۱۸- گزینه<sup>۱</sup>** ترجمه عبارت: «پرنده سیاه‌رنگی است که خوش صدا نیست».
- ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): کلاخ / گزینه (۲): ببل / گزینه (۳): گرگ / گزینه (۴): کبوتر
- ۱۱۹- گزینه<sup>۲</sup>** ترجمه عبارت: «ورزشی است که بیست و دو بازیکن در آن بازی می‌کنند».
- ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): بسکتبال / گزینه (۲): فوتبال / گزینه (۳): ورزشگاه / گزینه (۴): تنیس روی میز

- ۱۱۹- گزینه<sup>۱</sup>** اسم اشاره در گزینه‌ها: گزینه (۲): هنا / گزینه (۳): هؤلاء / گزینه (۴): هناك
- ۱۲۰- گزینه<sup>۲</sup>** در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) فعل‌ها مضارع، ولی در گزینه (۱) فعل به صورت ماضی به کار رفته است.
- ۱۲۱- گزینه<sup>۳</sup>** انت (ضمیر جمع مذکور مخاطب) صعدتن (فعل جمع مؤتّث مخاطب). شکل درست: «أنت صعدتم» یا «أنتن صعدتن»
- ۱۲۲- گزینه<sup>۴</sup>** فعل‌های گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) جمع مذکور مخاطب است، ولی فعل گزینه (۴) جمع مؤتّث مخاطب است.
- ۱۲۳- گزینه<sup>۲</sup>** درست سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): هم صبروا / انت صبرتم / گزینه (۳): أنا عملت / نحن عملنا / گزینه (۴): أنت عرفتم / هم عرفوا
- ۱۲۴- گزینه<sup>۴</sup>** شکل درست عبارت: هم يعرفون / نحن نعرف / گزینه<sup>۲</sup> درست سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): نحن نغفر / هم يغفرون / گزینه (۲): أنت تفتح / أنا أفتح / گزینه (۴): أنتن تفتحون / أنتن تفتحن
- ۱۲۵- گزینه<sup>۲</sup>** درست گزینه: هما قبلنا / هما قبلتنا / أنتما قبلتنا
- ۱۲۶- گزینه<sup>۱</sup>** درست گزینه: هن يكتمن / أنتن تكتمن
- ۱۲۷- گزینه<sup>۴</sup>**
- ۱۲۸- گزینه<sup>۱</sup>**
- ۱۲۹- گزینه<sup>۱</sup>**